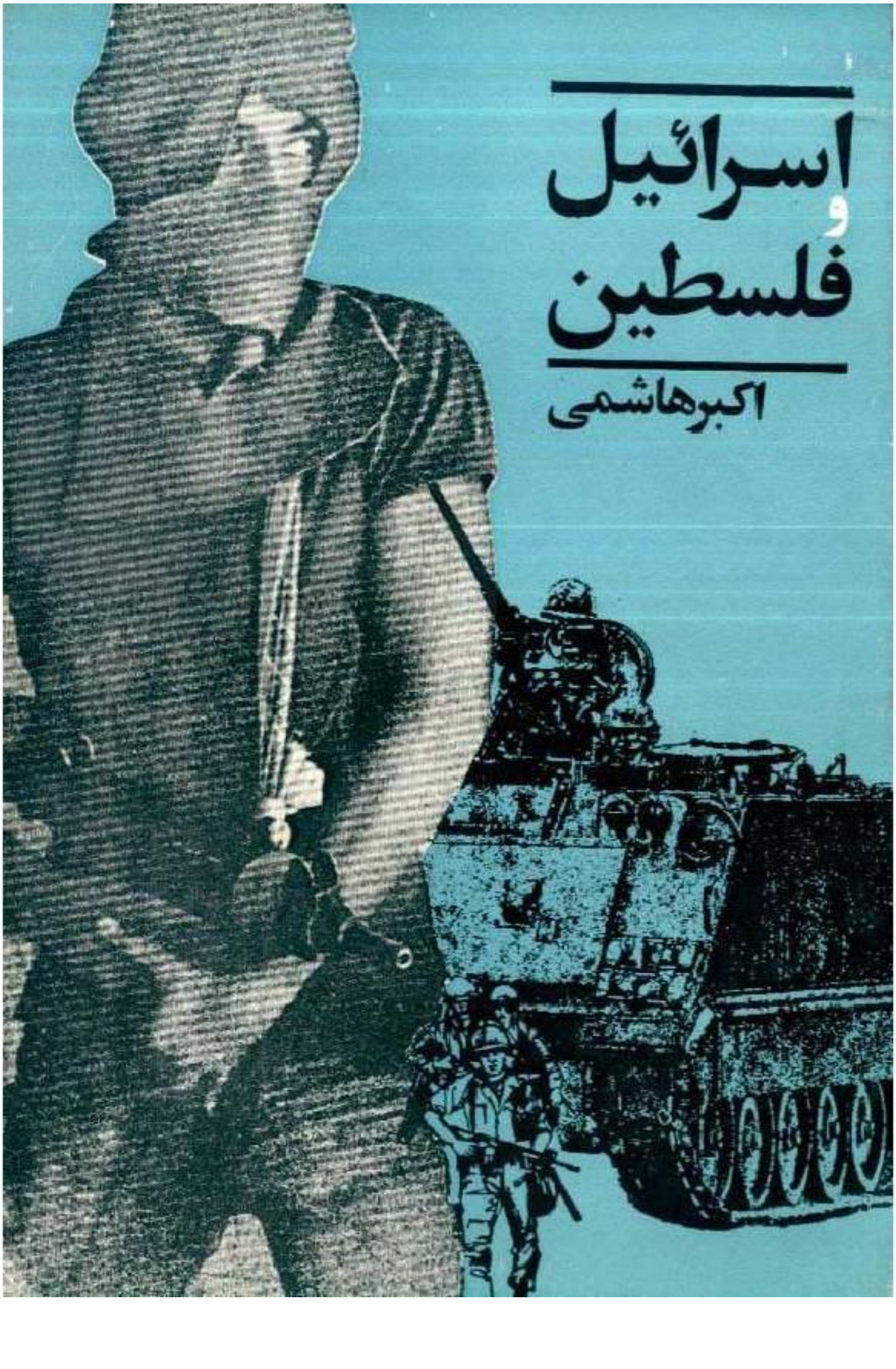

اسرائیل
و
فلسطین
اکبر هاشمی

اکبر هاشمی

اسرائیل
و
فلسطین

۱

اسرائیل و فلسطین

مشتمل بر مباحث

اسلام در فلسطین ـ مسیحیان و فلسطین ـ جنگهای صلیبی ـ ریشه تمدن اروپا ـ بلای استعمار انقلاب اعراب علیه دولت عثمانی اسلامی ـ قرارداد سایکس پیکو ـ وعدهٔ بالفور ـ عوامل تشکیل حکومت غاصب اسرائیل ـ حیله های استعمار ـ مهاجرت یهود به فلسطین ـ انتقال اراضی به یهود امتیازات سیاسی واقتصادی ـ شورش اعراب ـ تقسیم هدف نهائی استعمار گران ـ همه اعراب در صف ضد تقسیم ـ بازهم مکر وحیله ـ امریکا ودخالت بیجا ـ سازمان ملل متحد یا شریك جرم مدعیان عدالت وظلم فاحش ـ انگلستان فلسطین را تخلیه میکند ـ اسرائیل اعلان استقلال میکند ـ کمکهای استعمار گران باسرائیل ـ مسلمانان آواره ـ معمای آواره گان یاروزنه امید ـ خطر یهود ـ مبارزه بااسرائیل

دو هزارو پانصد سال قبل از میلاد ، جمعی از اعراب که بعداً بنام کنعانیون وفنیقیون خوانده شدند بنای زندگی رانهادند ، و مدت هزار وپانصد سال فلسطین را دردست داشتند ، پس از آنها فلسطینیون عبرانیون قضاه حضرت داود؛ حضرت سلیمان، مملکه بنی اسرائیل، مملکه یهودا ، ملوك فرس ، اسکندرمقدونی، مکابیون ، انباط،رومیان، بزنطه مسلمین ؛نصاری صلیبی ، انگلستان و اسرائیل با ترتیب هریك برای مدتی در این سرزمین حکومت داشته اند .

فلسطین در تمام روی زمین تنها نقطه ایست که در نظر پیروان سه مذهب بزرگ آسمانی مسلمین ، نصاری و یهود ، در نهایت درجه قداست وارزش معنویست وبهمین جهت ، همیشه مورد توجه اینها بوده و برای تصرف آن و زندگی در آنجا حد اکثر کوشش را مینمودند ولذااین سر زمین بیشتر از هر نقطهٔ دیگر شاهد حوادث و تحولات بوده است.

فلسطین درسینه فراخ خود ازتاریخ هریك از ملل مذکور بد و خوبی هائی ضبط کرده . این منطقه مقدس شاهد عظمتها ، ذلتها ؛ تمدنها ، تعرضها ، جنگها ، صلحها ، فتحها ، شکستها ، عدلها ،ستمها بوده وهمه حوادث را برای معرفی اقوام وملل مختلف برای ما بیاد گار ضبط کرده است ودر پرونده هائی که باسم هریك ازاین ملل برای تفاوت بازشود میتواندصادق گویائی باشد .

چون منظور مادر این مقالهاینستکه خوانندگان محترم را به ماهیت دولت غاصب اسرائیل که فعلا مقداری ازفلسطین رااشغال کرده

است آشنا کنیم‌پرونده‌ای که بازمینمائیم طرفین مخاصمه در آن‌مسلمین ویهودند و نصاری‌هم‌دراین پرونده‌نقش شریك ظلم‌را دارد؛لذا ازسوابق تاریخی فلسطین صرفنظر کرده، وفقط بحوادث مربوط باین پرونده اشاره میکنیم وخواننده محترم‌رادعوت مینمائیم که باتوجه بمندرجات این پرونده درسبك رفتار وروح تعلیمات موجود صاحبان‌پرونده بدون تعصب قضاوت فرماید

اسلام‌درفلسطین

فلسطین از هفتصدسال قبل‌از ورود مسلمین بعنوان جزئی‌ازمنطقهٔ شام زیر سلطهٔ حکومت رومیان بــوده‌و در زمان طلوع اسلام در اثر محاربات پی در پی که بین روم‌وایران‌در میگرفت وضع بسیار آشفته ومتزلزلی داشت .

مسلمین با نشاط و تازه نفس بآسانی این سرزمین را از دست رومیان گرفتند ، پیغمبر اکرم ﷺ در اواخر عمر خــود لشکری بریاست اسامة بن زید برای فتح شام‌تهیه دید ولی قبل ازآنکه‌لشکر حرکت کند حضرت وفات نمودند، سپس ابوبکر در تاریخ . ..باین منظور لشکری اعزام نمود وبآنها دستــور داد«از جنایت و تنــد روی اجتناب کنید ،نباید که بچه‌ها وپیر مــردان وزنان را بکشید ، اعضاء بدن کسی را قطع نکنید در ختان را نبرید و نسوزانید حیوانات را بی جهت نکشید»این لشکر قسمت های جنوبی شامات را گرفتند ، و

بعد قسمتهای شمالی هم جزء متصرفات اسلامی در آمد .

تواریخ مسلمین وغیرمسلمین ورود مسلمین را در این منطقه ورفتار آنان را با ملت مغلوب بسیار ستوده اند ، ما برای نمونه چند جمله از نوشته های دیگران را مینویسیم .

دکتر گوستاو لبون مستشرق معروف مسیحی فرانسوی در کتاب « **تمدن اسلام وعرب** » صفحه ۱۵۸ چاپ چهارم میگوید :

« عمر با معدودی وارد شهر بیت المقدس شد از **سفرونیوس بطریق** خواست که باهم رفته مقامات مقدسه را زیارت کنند وامر کرد منادی ندا کند که حفظ اموال و معابد این شهر را ما خود عهده دار هستیم حتی مسلمین مجاز نیستند در کلیساها نماز بخوانند

و در صفحه ۱۸۱ همین کتاب میگوید :

« پس از چهارماه محاصره **سفرونیوس** مجبور بصلح شد ، ولی شرط نمود که کلیدهای شهر وقلعه ها را خودش بدست شخص خلیفه مسلمین بدهد اعراب این شرط را پذیرفته و بخلیفه ثانی عمر اطلاع دادند عمر تنها از مدینه حرکت نمود ولوازم اوبك شترو مشکی و انبانی ازنان جو و برنج و میوه خشك بیش نبود اووارد بیت المقدس شد ونسبت بمردم شهر با کمال ملایمت رفتار نمود درو سوم ، عادات ، مذهب ، جان ومال ومتاع بآنها آزادی کامل داد مسلمین نسبت بسکنه شام تا این اندازه حس همدردی بروز دادند که اهالی شیفته این رفتار شده ، وطبعاً بنای اطاعت را گذاشته تا اینکه بتدریج بمیل خود مذهب قدیم خود راترك گفته ومذهب و زبان فاتحین را اختیار کردند .

مسیحیان وفلسطین

نصاری ازاینکه سرزمین مقدس فلسطین تحت تصرف مسلمین بود وبین آنان وقبر معبودشان (اینها معتقدند که عیسی (ع) کشته شده و دربیت المقدس مدفون است)جدائی افتاده بود بسیار نگران ومضطرب بودندتعصبات مذهبی حسدو کینه نسبت به مسلمین وعوامل دیگری آنها رابرای یك حمله آماده میکرد گرچه مسلمین اغلب مانع آمد ورفت آنان وزیارت اماکن مقدسه نمیشدند مخصوصاً اززمان هرون الرشید که بین او وشارلمان امپراطور فرانسه روابط حسنه برقرارشدنصاری خیلی آزادانه دسته جمعی و انفرادی به بیت المقدس می آمدند و همیشه از خوشرفتاری مسلمین برخوردار بودند .

در آن او اخر تغییر و ضع اخلاقی مسلمین مخصوصاً خشونت تر کمانهای صاحب فلسطین ازیکطرف وشرارت و بی ادبی ووحشیگیریها زائرین نصرانی که اغلب آنها مردم شریر وآلوده ای بودند که تحت تعلیم کشیشهازحمت ، سفرفلسطین را برای امحاء گناهان خویش متحمل میشدند ، باعث برخوردهای شدیدی بین مسلمین و این زائرین شرور میگردید؛ بی تربیتی، وحشیگری، تعصبات مذهبی جراحت دیده ، کینه وحسد مسیحیان ازیکطرف ، خشونت ، غرور ، قدرت همراه احساسات دینی مسلمانان ازطرف دیگر مرتباً صحنه های فجیعی که اغلب یاهمیشه ذلت وشکست مسیحیان را نتیجه میداد ایجاد میکرد .

گوستاولبون میگوید یکی از زائرین بنام پیرارمیت کهسابقاً سپاهیگری داشته واخیراًخودرا تارك دنیا معرفی کرده بود ودر صف

یاحربه‌بونیم کرده ودر آتش میسوزانیدند.

برای اینکه خواننده‌گان محترم خوب بو حشیگری های این سپاه مجاهد آشناشوند دراینجاعین عبارت دو سه نفر ازمورخین مسیحی را که نمیشود حمل بر مبالغه کرد مینویسیم.

گوستاولبون در صفحه ۴۰۷ همین کتاب میگوید:

قبایح اعمال و کردار مجاهدین صلیب در تمام این لشکر کشیها حقیقة آنها را در ردیف درنده ترین و بیشعور ترین وحشیهای روی زمین قرار داده بود ورفتار آنان باهم عهدان خود ، بادشمن، رعایای بیگناه، نظامیان، زنان ، اطفال، پیر و جوان یکسان ودر یك ردیف قرار گرفته بود ، یعنی بدون امتیاز همه را غارت کرده و بقتل میرسانیدند

هم او از روبرت راهب که شخصاً در این واقعه حضور داشته عبارت ذیل را نقل میکند که میگوید . لشکر مادر گذر هامیدانها وپشت بامها متصل در گشت و حرکت بودند و مثل شیرماده ای که بچه‌اش را ربوده باشند ازقتل عام الفت میبردند اطفال را پاره‌پاره کرده وجوان وپیررا دریك ردیف از دم شمشیر میگذرانیدند و محض تسریع درعمل چندین نفررا بیك ریسمان بدارمی آویختند سپاهیان ماهرچه‌را که میافتندفوداً می ربودند ، شکم مردهاراپاره کرده ، پول و جواهراتی را که سراغ داشتند بیرون میآوردند وبالاخره بوآمون (یکی از سران سپاه) تمام مردمی که در قصرجمع شده بودند احضار کرد،زن ، مردپیر ، ناتوان و بیکاره را از دم شمشیر گذرانید وجوانان را برای فروش بانطاکیه فرستاد.

رهبانان انجام وظیفه مینمود ودر فلسطین شاهد یکی از این صحنه‌ها بود تحت تأثیر شدید وا قع شده بفکر انقلابی عظیم علیه مسلمین فلسطین افتاد ، برای این منظور از بهترین راه که زمینه موجود داشت یعنی عواطف مذهبی تقریباً تحریك شده نصرانیت ، وارد عمل شد باتطقها . گریه ها ملاقات‌ها و پشت‌سر هم اقدازیها از بابان کلیسا، سران سپاه‌ها و حکومت‌های اروپا را باخود همراه نمود .

جنگهای صلیبی

سرانجام باشرکت اغلب اصناف و اقوام اروپا لشکر عظیمی به تعداد یکملیون وسیصد هزار نفر تهیه شد ودرسال ۱۰۹٦ میلادی برای نجات بیت‌المقدس عازم فلسطین گردیدند ، این‌دریای بیکران‌جمعیت که گویا همه اروپا بطرف آسیادرحرکت‌است ، بسیار بی‌نظم وترتیب درحرکت بود دربین راه دوست ودشمن درنظر آنان فرقی‌نداشت ،همه کس راغارت میکردند، میکشتند، بدریا میریختند، آتش میزدندمثله میکردند وخلاصه بقدری‌جنایت‌وخیانت از آنهاسرزده که تمام مورخین مسیحی ازاعمال‌وحشیانه آنها اظهار شرم ونفرت میکنند .

دکتر گوستا ولبون در کتاب تمدن اسلام و عرب صفحه ٤۰٦ چاپ چهارم میگوید ، « اینها در آسیای صغیر نسبت به مسلمانان و عیسویان فجایع وحرکات وحشیانه ای مرتکب شدند که در بیان آن غیر ازاین‌چیزی نمیتوان گفت که‌اینها حقیقتاً دیوانه شده بودند »

و نیز از **آنکومنن** دختر شاه قسطنطنیه نقل میکند که منجمله از تفریحات این مجاهدین این بود ، هرطفلی که‌در جلوشان پیدامیشد

اینها نمونه جنایاتی است که در بین راه مرتکب شده اند ، اما شرارتهای آنهادر فلسطین ومخصوصاً شهر بیت المقدس بمراتب از اینها وحشیانه تر و قساوت مآبانه تر است گوستاولبون از نوشته های دایمون اداثریل نقل میکند که پس ازشرح مختصری از فجایع صلیبیان میگوید

> وقتیکه جمعیت مابرج وباروی شهررا گرفت یك منظره غریب وهولناکی در مسلمانان ظاهر گردید . . در گذرها و میدان های بیت المقدس ازسرها ودستها وپاها تلهائی تشکیل یافته ومجاهدین صلیب ازروی آنهاعبور میکردند .. ده هزار نفر در مسجدعمر پناهنده شده بودند تمام آنها راطعمه شمشیر قرار دادند در معبدسلیمان بقدری خون جمع شده بود که لاشه های مقتولین در آنها شناور بود . . . مجاهدین باین هاهم اکتفاء نکرده و مجلسی تشکیل داده طبق تصمیمی که گرفتند تمام سکنه بیت المقدس رااعم ازمسلمان، عیسوی، یهودی وفرق دیگر که بیش از شصت هزار نفر بودند بقتل رسانیدند

خواننده محترم یکبار دیگر این فصل را بدقت بخوانید و این رفتار وحشیانه را با خوشرفتاری هائی که مسلمین درموقع فتح فلسطین با ملت مغلوب کردند مقایسه کنید و سپس قضاوت فرمائید

گوستاو لبون میگوید: «رفتار نصاری بامسلمین این شهر بکلی مخالف با آن رفتاری است که عمر خلیفه اسلام در چند قرن پیش هنگام فتح بانصاری این شهر نمود »

با این همه جنایت پس ازسه سال در تاریخ ۱۰۹۹ بیت المقدس

را فتح نمودند ولی از یکملیون و سیصد هزار جمعیت آنها فقط بیست هزار نفر باقی ماندند و بقیه در اثر جنگهای داخلی مرضهای طاعون ووباقحطی‌ها غرق در دریا و برخوردهای شدید با طوایف‌وقبائل مسلمان وغیرمسلمان در بین راه تلف شدند ، خلاصه دنیای مسیحیت در این جنگ بادادن یك ملیون‌ودویست‌وهشتادهزار قربانی و از دست دادن آبرو بیت‌المقدس‌را ازدست مسلمین بیرون آورد .

اما در اثر نداشتن رهبر لایق و فاقد بودن مقررات سیاسی و اداری وبی اطلاعی ازفنون صنعت و تجارت و کشاورزی و سایروسائل مملکت داری در مدت کوتاهی این بهشت‌ساخته مسلمین‌را بصورت‌همان جهنم‌اروپای آنروزدر آوردند ، نزاعها، کشمکشها ، ملوك‌الطوایفی‌ها ؛ تبعیض ها ،ظلم وستمها خلاصه‌نظائرجهل‌های‌اروپا در این سرزمین هم رواج‌پیدا کرد .

مسلمین فرصت را غنیمت شمرده بفکر استر داد فلسطین افتادند و مشغول جنگ شدند ، از اینجا جنگ دوم صلیبی شروع میشوداروپا هر چه نیرو و قدرت داشت یکی پس از دیگری بطرف آسیابه‌منظور حفظ بیت المقدس فرستاد و همه آنها در لابلای سنگهای‌عظیم آسیائی که بقدرت ادارهٔ مسلمین میچرخید شدند بدین ترتیب‌هشت جنگ‌عظیم که تاریخ آنها را بنام **جنگهای صلیبی** ضبط کرده است واقع شد و سر انجام پس از ۸۸ سال پایه‌های لرزان‌حکومت صلیب درفلسطین بدست سردار رشید اسلام امیرصلاح الدین ایوبی در هم ریخت وبنای حکومت آنان برای همیشه بر سرشان خراب گردید و با کمال‌ذلت و

خجلت به بیغوله‌های خویش در انگلستان و فرانسه و آلمان . . . بر گشتند و مسلمین از سال ۱۱۸۷ میلادی برای دومین بار حکومت اسلامی را در فلسطین بنا نهاده و عیسویان و یهودیان هم زیر پرچم عدل آنها مشغول زندگی شدند .

ریشهٔ تمدن اروپا

گرچه حملهٔ به فلسطین برای اروپائیان بسیار گران تمام شدو علی الظاهر شکست مفتضحانه‌ای همراه ازدست دادن حیثیت خویش خوردند ، ولی باعتراف محققین اروپائی همین تماس بامسلمین و آشنائی با فکرو کار مسلمانان آنهارا درراه تکامل وتمدن امروزیشان انداخت وپس ازمراجعت ازفلسطین بااستفاده ازمبانی اجتماعی اقتصادی وسیاسی اسلام زندگی تازه‌ایرا شروع کردند .

گوستا ولبون در کتاب تمدن اسلام وعرب پس ازتاریخچهٔ جنگهای صلیبی در بارهٔ فوائدیکه بطور غیر مستقیم و بدون توجه اروپا ازآسیا برده است درچند مورد بصراحت اعتراف بلکه پافشاری میکند .

درصفحه ۴۲۰ میگوید : بدیهی است این ارتباطدویست سالهٔ مشرق و مغرب برای تمدن اروپا عامل مؤثری بوده است چون در آنوقت مشرق از برکت اسلام اعلی درجهٔ ترقی را دارا بوده و برعکس اروپا در ظلمت توحش و بربریت فرو رفته بود .

در صفحه ۴۲۴ میگوید: ریشهٔ طرز محکم و پایدار حکومت فعلی انگلستان منتهی بحالات و اسباب خاصی میشود که از

جنك صلیبی پیدا شده ونیز جنگهای بین اروپا وآسیادر تجارت هم تاثیر نمایانی بخشید

ودر صفحه ۴۲۵ میگوید: مشرق در پیشه وهنرهم درضمن این جریانات تاثیرات مهمهٔ در اروپا نمود در فن نجاری، زرگری شیشه سازی و کاشی کاری کهدرجه کامل آنها ممکن نیست بدون تخصص صورت گیرد قبل از جنگهای صلیبی در اروپا متخصص فنی وجود نداشت ومسلماً از مشرق آمده است بافتن حریر آلات وزنگرزی عالی که مسلمین در آن تخصص داشتند بعداز جنگ دراروپارواج یافت بعداز جنگ درطرز معماری اروپا برمبنای معماری شرق انقلاب کلی روی داد، ودرصفحهٔ ۴۲۸ میگوید خلاصه مامیتوانیم گفت که همین جنگهای صلیبی اروپارااز عادات واخلاق رذیله و اطوار وحشیانه خارج ساخته‌و زمینه ای در آنها تهیه نمود که بعد ها علوم و ادبیات مسلمین که بوسیله دانشکده های اروپاانتشاریافت طوری آنرا بسطداد که بالاخره یك روز در آتیه منشأرنساس گردید.

بدین ترتیب اروپادر مسیرتکامل وترقی پیش‌میرفت؛ ودرمقابل حکومت عظیم‌اسلامی کم کم دراثر اختلافات داخلی‌ودورشدن‌ازمعارف عالیه اسلام سیر انحطاط در پیش گرفته بودقرنها این ترقی وتنزل ادامه داشت وبالاخره روزی رسید که کفه اروپا سنگین تر گردید همراه‌رشد اجتماعی بغض‌های‌چندین قرنی‌اروپائیان‌نسبت به‌سلمین نیزرشدمیکرد وسرانجام موقع انتقام فرارسید.

بلای‌استعمار

اروپا از استعمار مناطق دوردست ووحشی ونیم وحشی جهان

در آفریقا و آمریکا ... بقدر کافی بهره برده‌وخودراتقویت کرده بوده و کم کم نوبت به‌آسیا رسیده ودر فکر تسخیراین قاره‌افتاد . تنها مانع پیشرفت آنها در آسیا حکومت وسیع عثمانی اسلامی بنظرمیرسید ولی این‌حکومت‌هم‌علی‌رغم همهٔوسعت ودامنهٔوسیعی که داشت‌دراثرجنگهای داخلی پی‌درپی وتبعیضهای غلطوناهنجار ترکها درمورد نژادهای‌دیگر دروضع بسیار نا مطلوبی قرار داشت .

استعمارگران برای اینکه مبادا‌روزی نابسامانی‌های این دولت سامان گیرد وعلل ضعف‌حکومت ازمیان‌برود وباز مینه‌های بسیارخوبی که درآسیا موجود است بازصف نیرومند واحدی از مسلمین در مقابل آنان تشکیل گردد نقشهٔتجزیه این امپراطوری وسیع‌را طرح کرده‌و بسیار ماهرانه واستادانه اجرا نمودند .

بالاتراز فکرتجزیه نقشه ایجاد یک‌حکومت ضداسلامی درقلب حکومت‌اسلامی‌است که‌بعدازاین‌خواهید دیدبصورت دولت اسرائیل‌در فلسطین چگونه تشکیل میشود .

پس ازمطالعهٔ فراوان بهترین عامل را برای انجام مقصود شوم خود پیدا کرده‌و بدست‌خوده‌سلمین این‌خاک سیاه‌را بسرمسلمانان‌ریختند درحالیکه درجنگ اول جهانی حکومت عثمانی با انگلستان وفرانسه مشغول جنگ بود .

انقلاب‌اعراب علیه‌حکومت مرکزی اسلامی

درنتیجهٔ بی عدالتیهای حکومت‌عثمانی ودادن امتیازات فراوان بشر کهاو رواج بازار تبعیضات بیجای نژادی اغلب فرق غیر ترک

ازتر کتازی‌های اتراك بستوه آمده بودند ، در میان ناراحتی ها جمعیت اعراب از همه بیشتر و مناطق آنان وسیعتر و اگر ادعائی هم میکردند در اثر سوابق ممتدی که درایجاد وحفظ حکومت اسلامی داشتند بهتر قابل قبول بود .

انگلستان این ما در استعمار ومایه اصلی استثمار بشر که این موفقیت را درست ارزیابی کرده بود ، ودرهمان وقتیکه درجنگ جهانی اول قوای آنان بادولت عثمانی مشغول جنگ بود تصمیم گرفت ازنا رضایتی اعراب استفاده کند،زیرپرده با سران ملی ومتنفذ اعراب وارد مذا کره شد : وآنان را برای انقلاب علیه حکومت عثمانی تحریك نمودو بآنها وعده مساعدت وهمکاری تا سرحد تحصیل استقلال عرب‌در مقابل تر کها داد ، اعراب بااتکاء باین‌عهد دست بانقلاب زدند ، آتش انقلاب درتاریخ نهم‌شعبان۱۳۳٤مطابق با۱۹۱٦میلادی ازحجازبرهبری فیصل شعله ور گردید ، جمعیت فراوان عرب همراه با نا رضایتی های شدید از حکومت ، بی سرو سامانی وضع حکومت و دخالت مستقیم‌و غیرمستقیم انگلستان وفرانسه ، همه را از عوامل پیشرفت سریع این انقلاب باید شمرد ، خیلی زود دامنهٔ انقلاب از حجاز به سوریه ولبنان ، عراق وفلسطین کشید ، کم کم قوای دولت های انگلستان و فرانسه هم علنا بنفع اعراب مداخله نمودند وقوای دولت عثمانی را بآسانی سر کوب و وادار بعقب نشینی میکردند ، اعراب با یکدنیا نشاط در انقلاب جانبازی میکردند وخود را برای یك حکومت‌عربی وسیع‌ومستقل که شامل عراق اردن، سوریه لبنان فلسطین حجاز ــ بود

آماده میکردند.

قرار داد سایکس بیکو

انقلاب تقریباً به نتیجه رسیده ودستامپراطور عثمانیازنواحی عرب نشین کوتاه شده بود ، واعراب با انگلستان مشغول مذاکرهدر بارهٔ اعلان استقلال وشناختن انگلستان شدند در این بین وزارتامور خارجه روسیه خبرنقشه های شوم انگلستان و فرانسه را در مـورد توطئه ای خائنانه برخلافتعهداتی که با عربداشتند به سراناعراب اطلاع داد .

روسیه بهاعراب اطلاع داد که انگلستان وفرانسه میراثدولت عثمانی را بین خود تقسیم نموده اند ، خیلی از این قضیهنگذشت که قرار داد معروف سایکس بیکو در تمام عالم منتشر شد وهمهفهمیدند که مارك سایکس نماینده انگلستانباجرج بیکو نماینده فرانسهقرار دادی بسته اندوتمام منطقهای که باسم عرب از دولت عثمانیجدا کرده اند بین خود تقسیم کرده و دولت روسیه هم گواه و مصدق این تقسیم نامه است

اعراب از ایننامردی وحیله گریدول استعماریغرقدرحیرت گشتند مـات و مبهوت گیجشده ازفیصل که رابط اصلی بین آنهـا و بریطانیابودخواستند کهفوریاعتراض کند وتوضیح بخواهد حسین از انگلستان توضیح قرارسایکسبیکو را مطالبه کرد وتعهداتانگلستان را گوشزد نمود ولی حکومت مکار وحیله باز انگلستان ازدرمکر وارد شد و قرار داد با فرانسه را ناتمام معرفی کرد واز طرفیبالفور

وزیر خارجه بریطانیا طی تلگرافی که در ۱۸، ۲۱۹ به فیصل‌مخابره کرد عهد سابق را تجدید نمود ووعده استقلال عرب را باهمان‌قسمها وتعهدات غلاظ وشداد محکم ویابرجا اعلان نمود ، ولی عملا مشغول انجام مقاصد استعماری خود بود ند وطبق نقشه‌ای که داشتند در هر قسمتی از این منطقه آزاد شده حکومتی را گمارد ند و بصورت ظاهر تعدد حکومت را مقتضی نظامات لشکری معرفی نموده ومیگفتندپس از صلح کامل همهٔ این حکو متها زیر یك پرچم عربی اداره خواهد شد وتمام مرزها که‌فعلا بمنظور تنظیم‌وضع لشکر انتخاب شده برچیده خواهد شد

وعده بالفوربه یهود

در خلال این جریانات پشت پرده مذا کراتی بین سران یهود که از مدتها قبل در نقشهٔ بدست آوردن حکومتی مستقل در فلسطین بودند ومقامات انگلیسی ردوبدل میشد وسر انجام در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷وعده ای رسمی بامضاء بالفور وزیر امورخارجه‌انگلستان گرفتند دولت انگلستان رسماً تعهد نموده بود که در فلسطین برای یهود یك حکومت مستقل یهودی تشکیل دهد .

این حیله‌هم خیلی پشت پرده‌نماند وبالاخره عربها از آن‌اطلاع پیدا کردند وسیل‌اعتراض‌واستیضاح‌ازطرف‌سران‌عرب‌بسوی انگلستان سرازیرشد ، اما استعمار گران مکاراین دفعه‌هم بدروغ‌وتزویراعراب‌را قانع کردند مخصوصاً این مرتبه بیانیه‌هائی‌در مورد آزادی اعراب از طرف امریکا وفرانسه‌هم منتشر گردید وتا حدی خاطر اعراب آسوده

شد و آرام گرفتند ؛ ولی استعمارطلبان باتمام قوی مشغول تهیه مقدمات دونقشه اصلی خود« تجزیه وایجاد حکومت ضد عربی واسلامی در قلب ممالك اسلامی شدند» .

عوامل تشکیل حکومت غاصب اسرائیل

قرنها بریهود گذشت در حالیکه دراطراف عالم متفرق ومتشتت زندگی کرده ومعمولا باوضع اجتماعی نامطلوبی بسرمیبردند عده‌ای ازشخصیتهای یهودی تصمیم گرفتند که بین افراد متفرق یهود ارتباطی ایجاد کنند ، بامید اینکه قدرتهای پراکندهٔ آنان روزی در نقطه‌ای متمرکز گرددو بوضع اسف بارشان سروسامانی دهد .

درسال ۱۲۸٦ اولین اجتماع عده‌ای یهودی در ... تشکیل گردید ودر آن جلسه بنای حزبی جهانی بنام صهیونیسم بین‌الملل گذارده‌شد وسپس فکرتشکیل حکومت یهودی‌مطرح گردید وبعداز مذاکره زیاد تصمیم گرفتند که مقدمات تشکیل حکومت‌را درفلسطین‌درست نمایند و برای شروع کار بناشد که افـراد یهود حتی الامکان به فلسطین مهاجرت نمایند و هر مقدار که میسر بشود از اراضی آن سر زمین خریداری نمایند .

پس‌از ارزیابی مختصری که از قوای پراکنده یهود نمودند ، بآن‌نتیجه رسیدند که در ممالك بزرگ دنیا مخصوصاً آمریکا و اروپا قدرت‌های اقتصادی قابل توجهی در اختیار دارند ومیتوانند بامتشکل کردن این نیرودستگاه های حاکمه ممالك بزرگ‌را تحت نفوذ قرار داده وازآنها درراه رسیدن‌بهدف استفاده کنند .

درقدم اول درمقابل پول هنگفتی که بسلطان عبدالحمیدامپراطور عثمانی وعده کردنداز اوتقاضا کردند که اجازهٔ توسعهٔ فعالیت درمنطقهٔ فلسطین بآنها داده شود ولی سلطان عبدالحمید آنهارا جواب کرد، ولی کم کم مهاجرت شروع شد و خریداری زمین هم رفته رفته انجام میگرفت.

برای جلب همکاری دولت‌های بزرگ نقشهٔ نفوذ در دستگاه حکومت آنها بمرحلهٔ عمل گذاشته‌شد، قبضهٔ وسائل تبلیغاتی و بدست گرفتن منابع اصلی اقتصادی دررأس برنامهٔ آنها قرار داشت با پول فراوانی که یهودهای محتکرداشتندخیلی باهدف فاصله‌نداشتند طولی نکشید که درایالات‌متحدهٔ آمریکادردستگاههای‌تبلیغاتی نفوذ فوق‌العاده ای پیدا کردند.

کتاب خطرجهود صفحه۱۸ «مینویسد بسیاری ازمطبوعات آمریکا بامستقیماًدردست‌یهودیان‌اداره میشد ویا باپولهای زیاد مدیران آنهارا خریده بودند و حدود دویست دستگاه پخش صوت در اختیار داشتند وصدها کمیته وانجمن‌همکاری‌ایجاد کرده‌بودند».

پیداست با چنین وسائلی افکار ملت بزرگ آمریکارا هم قبضه کرده بودند وازلحاظ اقتصادی روزنامه **البلاد** چاپ بغداد دریکی‌از شماره‌های خود نوشته‌بود که در اغلب‌شرکتهای مهم امریکاسهام‌زیادی دارند منجمله‌در کمپانی نفتی‌بزرگ **استانداردایل نیوجرسی** ۵۵ در صدسهیم‌میباشند ودرشرکت **نفتی تکزاس** ۶۳ درصدازمنافع مربوط بآنها است بااین دوقدرت مالی وتبلیغاتی که‌داشتند درمبارزات‌انتخاب

رئیس جمهور بنفع ترومن کاندید حزب وارد کار شدند و خدمت‌های شایانی درراه‌موفقیت او انجام دادندوترومن که موفقیت‌خوددرامرهون خدمات یهودیان میدیدقول مساعدت وهمکاری‌بآنهاداده و بعدآهم‌خیلی خوب عمل‌نمود .

در اروپا که دولتهای آن بیشتر به پول احتیاج داشتندسازمان صهیونیستی‌دست بکمکهای‌فراوان مالی‌زده‌ودرقسمتهای مختلف‌حساس مشغول‌سرمایه گذاری‌شدند .

وتا آنجا که دستشان‌بندمیشددر پست‌های حساس ممالك بزرگ افراد یهود را بکار و امیداشتند ، که در مواقع لازم از وجود آنها استفاده شود ، روزنامه **البلاد** نوشت که ۳۸ درصدازکارمندان دولتی آمریکا یهودی هستند .

بااین مقدمات ، همکاری وپافشاری‌دول استعماری‌درراه‌تأسیس حکومت صهیونی درفلسطین بسیارطبیعی‌بنظرمی‌آید .

حیله‌های استعمار .

پس ازجنگ جهانی اول انگلستان بعنوان مملکت فاتح (که طبق نظریهٔ سازمان ملل که دولت فاتح حق سرپرستی‌وقیمومیت‌دارد) سرپرستی فلسطین‌را بعهده داشت وکارهای اداری ونظامی در دست او بود ، این قیم عادل وسرپرست دلسوز و مهربان ! پس از تسلط کامل باهمفکران استعمارچی خود تصمیم میگیرند که خواسته‌های یهود را عملی سازند .

ابتدا ازمردم فلسطین سرشماری بعمل آوردند، معلوم شد با همه

کوششی که درظرف سی‌سال‌یهودیها برای مهاجرت بفلسطین نموده‌اند فقط شش‌درصد ازمردم فلسطین یهودی‌میباشند ، البته بااین اقلیت‌بسیار ضعیف نمیشود نقشهٔ استقلال یهود عملی گردد ، زیرا مقدرات مملکتی که‌نود وچهار در صد آن مخالف سر سخت رژیم آن باشند بهیچوجه قابل اداره نیست .

لذا بفکر توسعه نقشهٔ مهاجرت یهود وانتقال اراضی ، وسپردن منابع اساسی‌اقتصاد وپست‌های حساس‌مملکت به‌صهیونیست‌ها افتادند .

مهاجرت یهود بفلسطین

هرچندتاریخ‌شروع‌مهاجرت‌بلافاصله‌پس‌ازجلسه‌حزب‌صهیونیست میباشد ولی در طول این مدت هجرت بصورت بسیار محدودی انجام میشد ؛ ولی پس از این سر شماری ، دولت بریطانیا یکنفر یهودی را بریاست اداره مهاجرت فلسطین انتصاب نمود وتسهیلات فراوانی‌برای هجرت وقبول تبعیت فلسطین‌قائل شد ، ازاین ببعد سیل مهاجرین یهود از اطراف بطرف فلسطین سرازیر گردید و اغلب مهاجرین جوانان یهودی بودند که توسط کمیته‌های صهیونی قبلا مسلح میشدند وسپس هجرت‌اختیار میکردند .

کاتار یواسی یهودی در کتاب اسرائیل مینویسد در سال ۱۲۹۷ عدهٔ یهود فلسطین فقط ٤۷ هزار نفر بوده اند وهمین کتاب آمار یهود فلسطین درآذر ماه‌سال ۱۳۳۷ یکملیون وهشتصد وده‌هزار نفرمینویسد البته‌اغلب این‌جمعیت درده‌سال‌پس ازاستقلال اسرائیل هجرت کرده‌اند ودرزمان سی‌سال سرپرستی انگلستان تقریباً ششصدهزار نفریهودی که

اغلب جوانان مسلح بودند بفلسطین آمدند .

انتقال اراضی به یهود

مانع بزرگی که در سرراه انتقال اراضی بیهود موجود بودفشار اعراب برای منع فروش زمین به افراد بیگانه ومخصوصاً غیرعرب بود که اعراب با نهایت جدیت خواهان اجراءآن بودند ، ولی استعمار گران خودرا پابند این قانون نمیکردند و نهایت کوشش رادر انتقال اراضی بیهود مینمودند چون یکی از لوازم تشکیل دولت یهود مالك بودن مقداری زیاد از اراضی بود؛ علاوه مهاجرینی که وارد فلسطین میشدند احتیاج به کار ودرآمد داشتند وعربها حاضر نبودند که یهودرا دراملاك خود بکار بگمارند .

یکی ازقدمهای برجسته ایکه بریطانیا بدون پروا بنفع یهود بر داشت این بود که یکدفعه پنجاه هزار هکتار از اراضی که در دست دولت بودبه جمعیت یهود واگذار نمود ومهاجرین یهودی را در آنجا مشغول کار کرد .

قدم دیگر این استعمارگر بنفع یهود ، این بود که برمحصولات املاك عرب مالیاتهای سنگین و کمرشکن وضع میکرد که اغلب منجر بورشکستگی مالکین بزرگ وحراج املاك آنان میشد .

ولی عربها باین نقشه شوم پی بردند و برای جلوگیری ازفروش اراضی بیهود صندوقی تشکیل دادند و اغلب املاکی که درمعرض فروش میآمد خودشان میخریدند ولذا در تمام مدت سی سالۀحکومت سرپرستی فقط بیست وپنجهزارهکتار زمین ازدست مردم فلسطین توانستند

بخرند .

خلاصه در موقع اعلان استقلال اسرائیل فقط تقریباً شش و نیم در صد از خاك فلسطین به یهود منتقل شده بود یعنی از مجموع دوملیون وهفتصد هزارهکتار زمین تقریباً یکصد و شصت هزار هکتار زمین رایهودمالك بود که ٦٥ هزارهکتار آنرا در زمان دولت عثمانی خریده بودند و ٥٠ هزار هکتار را سرپرست‌عادل فلسطین(انگلستان) بآنها هدیه فرموده بود و٢٥ هزار هکتار هم از مردم فلسطین خریده بودند وبقیه را از مالکینی خریده بودند که‌در خارج زندگی میکردند

امتیازات سیاسی واقتصادی

در رأس امتیازات سیاسی که بریطانیا بیهود داد ؛ این بود که درتاریخ ١٩٢٠ م یکی از رهبران بزرگ حزب‌صهیونیسم **هربرت‌صموئیل** را که از یهودیان متعصب بود بحکومت فلسطین نصب نمود و مقدرات فلسطین را بدست او سپرد ، این یهودی با قدرتی که داشت پست اغلب ادارات را به یهودیان یا انگلیسیان طرفدار یهود وا میگذاشت و بلا فاصله زبان عبری‌را در ردیف زبان عربی وانگلیسی در فلسطین رسمیت‌داد، بااینکه‌تحصیلات مدارس عربی تحت کنترل‌شدیدانگلستان بود بیهودیان استقلال فرهنگی بخشید و دستور داد روی سکه های فلسطین‌بزبان عبرانی کلمه« **اسرائیل** » بعنوان‌ترجمهٔ‌لفظ«**فلسطین**» نقش گردد .

در مورد امتیازات اقتصادی اغلب امتیازات اساسی مملکت در زمینه های تولیدی و صنعتی باسم یهود صادر میشد وبرای ادارهٔ آنها

وامهای طویل المدة یا کمکهای بلاعوض بسیار داده میشد و برای تقویت بنیان اقتصادی یهود تسهیلات زیادی جهة صدور محصولات صنعتی و کشاورزی آنها درست میشد و در نتیجه اغلب قسمتی از فرآورده های یهود بابازارسیاه بفروش میرسید .

و در مقابل برای صدور محصولات عرب آنقدر تضییقات ایجاد مینمودند که بیشتر منجر بهتورم اجناس دربازار گردیده وجنس راازقیمت ساقط میکردند .

وسائل وموادی کهمورد احتیاج کارخانهجات یامزارع صهیونیست بود اکثراً بدون گمرك وارد میشد ولی احتیاجات عرب اغلب با گمرك های سنگین وعوارض گزاف بدست آنان میرسید و برای تجار عرب غیر از خسارت وورشکستگی نتیجه ای نداشت .

یکی ازامتیازات مهمی که صموئیل بهیهودیان داد، امتیاز کارخانه بزرگ برق تور بیبی فلسطین بود که برای مدت هفتاد سال از تاریخ ۱۹۲۱م امتیاز انحصاری تولید برق سرتاسر فلسطین بدست یك نفر یهودی داده شد (فقط برق شهر قدس مستثنی بود ، چونکهدر ۱۹۱۴ یکیاز رومیان امتیاز آنرا از دولت عثمانی گرفته بود)

بزرگترین امتیازی که در زمینهٔ اقتصادی به یهودیان داده شد امتیاز استخراج املاح بحر متوسط است که در سال ۱۹۲۷ این امتیاز بانحصار یکی از شرکتهای بزرگ یهودی برای مدت ۷۵ سال درآمد و بدینوسیله تولیدات شیمیائی که در قرون جدیده از مهمترین منابع ثروت دنیا است بدست این مهمانان ناخوانده افتاد نویسنده کتاب

القضیة الفلسطینیة بعد از آنکه این مطلب رامی نویسد اضافه میکند که اهل فن مقدار در آمد این امتیاز را چهارده میلیارد جنیه تخمین زده‌اند(تقریباً سیصد میلیاردتومان)

شورش اعراب

طبیعی است که این طرفداری های صریح از یهود وپامال کردن حقوق اعراب ، برای مردمی که علیه یك حکومت اسلامی بخاطر همین امتیازات بیجا و ناروا انقلاب بر پا کرده اند و اکنون وضع نا گوارتری را آنهم از دست یك حکومت اجنبی می بینند ، قابل تحمل نیست .

مظالم حکومت استعماری انگلستان ووحشت از نفوذ فوق العادهٔ یهود ، اعراب مسلمان ومسیحی را برای انقلاب مهیا کرد مجالس شور و کمیته های دفاع در اغلب شهر های فلسطین برپامیشد و برای مبارزه با این مظالم نقشه هائی طرح واجرا میشد وشورشهائی علیه دستجات یهود و تظاهراتی علیه حکومت رخ میداد ولی اغلب با دخالت پلیس انگلستان بنفع افراد یهود، بهنتیجه نمیرسید ، در خلال دهسال اول سر پرستی؛شورشهای کوچك در شهرهای فلسطین علیه یهود وهیئت‌حاکمه صورت میگرفت وپس از خاموش شدن مذاکراتی که اغلب بی‌نتیجه بود انجام میشد

در سال ۱۹۲۹م انقلاب نسبتاًعظیمی در فلسطین رخ داد وتقریباً همهٔ مردم فلسطین در این انقلاب همراه بودند ولی باز با حیله های انگلستان ودخالت سازمان ملل متحد انقلاب خاموش گردید

رفته رفته سوء غرض دولت بریطانیا آفتابی میشد ، وبغض‌های مترا کم در قلوب اعراب بانفجار نزدیك میگردید و آمد ورفت ها ومذا کرات،معمولاً خنثی و بی اثر میماند ؛جمعیتهای مختلف اعراب درتمام فلسطین بهم پیوستند و کمیته عالی آن بریاست **محمدامین الحسینی مفتی اعظم** فلسطین تشکیل گردید ، ودر سال ۱۹۳٦ دستور اعتصاب عمومی صادر گردید

این اعتصاب ، بسیار عالی وحاد انجام گرفت ، زنان ، مردان ، تجار ، کسبه جزء،صنعتگران ، مدارس ، رانندگان وحتی بسیاری از زندانیان دست باعتصاب زده و علیه یهود و بریطانیا به تظاهر پرداختند ،در راههای آهن، لوله‌های نفت ؛تشکیلات دولتی ، پلها ، سیمهای برق وتلفن وچوبهای تلفن و برق؛... بخرابکاری پرداخته و بدستور کمیته عالی ازپرداختن مالیات و اطاعت قوانین حکومت خود داری نمودند مردم سایر کشورهای عربی هم دراین شورش کمکهای بزرگی کردند ، علی رغم تهدیدها و فشارهای انگلستان آتش انقلاب هر دم شعله ور ودامنهٔ شورش وسیع تر میشد ، و دیگر گوش مردم فلسطین به وعده‌های دروغ ارباب استعمار توجهی نداشت خلاصه عرصه را کاملا بر استعمارگران تنگ کرده بودند .

مکاران استعمارچی حیلهٔ جدیدی بکار بستند ، برای خاموش کردن شورشیان سران کشور های عربی را واسطه نمودند .

تلگرافاتی از جانب عبد العزیز سعودی شاه حجاز ملك غازی سلطان عراق، امام یحیی پادشاه یمن وامیرعبدالله حاکم اردن بیك مضمون

بکمیته عالی فلسطین رسید و همه اظهار اطمینان و امید واری کردند که انگلستان مصمماست‌خواسته های اهالی فلسطین‌را بر آورد ، کمیته باناظر سران انقلاب دستور آرامش صادر کرد .

و بدین ترتیب اعتصاب و انقلاب عظیم ۱۹۳۶ پس از شش ماه ، با دادن‌بیش از هزار شهید و متجاوزاز سه هزار زندانی بازجر شکست وخواسته‌های‌اعراب توسط سران کشورهای عرب ، بشرح ذیل بدولت بریطانیا گزارش داده شد :

۱ـ بطور کلی از مهاجرت یهود بفلسطین اکیداً جلو گیری شود ۲ـ اراضی فلسطین بهیچوجه به یهودمنتقل نگردد ۳ بحکومت سرپرستی انگلستان خاتمه داده شود وحکومت مستقل عربی تشکیل گردد .

تقسیم ، هدف نهائی استعمارگران

در بار انگلستان ، در ظاهر برای رسیدگی بخواسته های‌عرب و پیدا کردن‌راه‌تحقق آن ، و درواقع بمنظور عملی‌ساختن غرض اصلی خود ، هیت بازرسی به فلسطین فرستاد ، این هیئت بی غرض ! و واقع جو! پس ازمدتی‌مطالعه (نقشه کشی) گزارش‌مبسوطی بمقامات عالیه تسلیم نموده دراین گزارش پس از یك مشت عوام فریبی و ظاهرسازی بصورت تشریح خواسته های‌عرب ، علل انقلاب ، اعتراف‌بحقوق‌عرب و راههای حل مشکل ، هدف نهائی استعمارگران را بصورت پیشنهاد بعرض دولت رسانید .

ماهرانه پس از بیان راه حل چنین اضافه کرد که : همه اینها که گفتیم ، برای این درد فلسطین فقط خاصیت مسکن را دارد لذا

پیشنهاد میکنیم : معالجهٔ اساسی اینست کـه فلسطین تقسیم شود ، یك دولت عربی یهودی و یك قسمت هم در دست بریطانیاباقی باشد .

دولت انگلستان طی اعلامیه‌ای نظر بازرسان دربار رامنتشر و موافقت خود را باپیشنهاد تقسیم رسماً اعلام نمود..

وبدنبال آن : ایدن وزیر امور خارجه آن کشور ، در سازمان ملل ، تصمیم دولت انگلستا ن را اعلان و تشریح کرد مورد اعتراض شدید نمایندگان دولتهای عربی واقع شدنمایندهٔ دولت عراق گفت : شما اگرمیخواهید خدمتهای یهودرا تلافی کنید خوبست که در همان اروپا منطقه‌ای را بآنها دهید نه‌اینکه از جیب مردم آسیا حاتم بخشی بفرمائید .

همهٔاعراب درصف ضدتقسیم

اعلان نقشهٔ تقسیم فلسطین ، طوفانی بود که امواج عظیم خشمو غضب ونفرت عموم اعراب بلکه مسلمین جهان را علیه یهود وبریطانیا بجوش وخروش در آورد ، همه دولتهای عربی رسماً اعلام کردند که حادثه فلسطین‌مخصوص مردم آندیار نیست ؛ بلکه یك مسئلهٔعربی‌است وهمه درآن سهیم‌اند .

بمنظور هماهنگ کردن فعالیت های اعراب مجلسی باشرکت نمایندگان مصر ، عراق سوریه ، البنان ، اردن فلسطین وبلادمغرب‌در سوریه تشکیل گردید ، وپس از مذاکره‌برای نجات فلسطین اقدامات دامنه داری شروع کردند و بلافاصله ازتمام ممالك عربی افراد مسلح بصورت داو طلب بخاك فلسطین وارد گردیدند و انصافاً درراه نجات

فلسطین مجاهدت کافی نمودند وعرصه را بر انگلستان و مخصوصاً یهود در فلسطین تنگ کردند وبادادن تلفات زیاد و تلف کردن بسیاری از قوای ظالم استعمار ، انگلستان را بصورت ظاهر مجبور بعقب نشینی کردند .

بازهم مکر وحیله

انگلستان در۹نوامبر ۱۹۳۸ اعلان نمود؛ : عملا اثبات‌شد که فکر تقسیم فلسطین قابل اجرانیست ولذا از این فکرصرف‌نظر کردیم و برای‌حل‌نهائی مشغول‌پیدا کردن راه دیگر که‌بمنافع‌اعراب‌برخورد نداشته باشد هستیم .

روح مطلب اینست که برای‌محکم کردن‌جای پای یهوددرفلسطین احتیاج‌به مدت‌طولانی‌احساس‌شده‌بودوهمهٔاین مذاکرات اعزام بازرس وعده ها وسائلی بود که‌عربهاراسر گرم کنندودرپشت‌پرده‌بشدت مشغول انجام نقشه بودند ؛بیست‌سال را بهمین طریق گذراندند ومقدارزیادی هم بهدف نزدیك شده بودند .

درتعقیب همان حیلهٔ گذراندن وقت و سر گرم کردن اعراب ، وزارت‌مستعمرات‌انگلستان سران عرب و یهود را بعنوان حل مشکل فلسطین بلندن دعوت‌نمود،وروز هفتم فبیریه۱۹۳۹اولین جلسهٔباشر کت نمایندگان عراق ؛ مصر ، اردن ویمن تشکیل گردید ، پس ازچندین جلسه و گفت شنود ، انگلستان یك تعهد رسمی باعراب داد که دولت عربی مستقلی در فلسطین‌تشکیل‌شود ، ولی ریشه‌مکراینجااست که با لطائف الحیل اعراب راقانع نمود که این عمل احتیاج به ده سال‌وقت

دارد که کم کم حکومت را بدست آنها واگذار نماید و تعلیمات لازمه رادر بارهٔ مسائل مملکت داری بگیرند و برای ادارهٔ مملکت پرورش کافی یابند ، و بعداً معلوم شد که این مهلت طولانی برای تحکیم وضع بین المللی یهود بوده است .

ایالات متحده ودخالت بیجا

تا کنون انگلستان زیر سرپوش قیمومت ، که جنبهٔ قانون بین المللی داشت ، درفلسطین مداخله میکرد ؛ وبرای حفظ ظاهر مجبور بود که خیلی کند بسوی هدف پیشروی کند ، کم کم فشار یهود در آمریکا واروپا بدولت های وقت ، مجال احتیاط وظاهر سازی را ازدول استعمار گر ، گرفت ، خدمات برجسته صهیونیست های امریکا برای موفقیت ترومن درمبارزات انتخاباتی رئیس جمهور ، وفعل انفعالات بسیار دیگری که درپشت پرده انجام میگرفت ، عجله را برای استعمار گران تجویز میکرد

درسال ۱۹٤۵ نامه‌ای از ترومن رئیس جمهور آمریکا به مستر اتلی نخست وزیر بریطانیا رسید که باصراحت وپافشاری خواستار آزادی کامل مهاجرت وتقویت یهود شده بود ، بدنبال آن مستر بیفن وزیر امورخارجهٔ انگلستان درمجلس عوام ، بدون در نظر گرفتن قرارداد اعراب ؛ اعلان کرد که مشکلهٔ فلسطین ، باهمکاری آمریکا وانگلستان حل خواهد شد

برای این منظور هیئتی مرکب از مستشاران امریکائی وانگلیسی مشغول نقشه کشی میشوند ونتیجهٔ به سازمان ملل متحد ارجاع میگردد واین عدالتخانه بمقتضی عدالت رفتار خواهد کرد !!

سازمان ملل متحد یا شریك ظالمین

معلوم است که نتیجهٔ مذاکرات همان‌هدف اولی استعمارچیان است و باید فلسطین تقسیم شود ، سرانجام طرح **تقسیم** تهیه شد ، و به سازمان ملل متحدارجاع گردیدودرسال ۱۹۴۷ باا کثریت ضعیفی آنهم بافشار دول‌بزرگ به‌تصویب‌رسید (۱) سازمان ملل‌هیئتی مرکب ازیازده نفر برای ترسیم خطوط تقسیم به فلسطین اعزام نموده ، آنطور کـه مایل بودند نقشهٔ تقسیم راتنظیم کردند ، نا گفته‌پیداست درمقابل‌نعره های‌عدالت که‌ازحلقوم فراخ سازمان خارج میشد و طنین آن دنیا را گرفته بود ، ناله های ضعیف عدالتخواهی اعراب بجائی نمیرسید و بدین ترتیب سازمان ملل‌هم‌باظالمین‌همگام‌میشود .

«تحویل و تحول»

طبق قرار دادی که شده ، و نظری که سازمان ملل داده بود انگلستان اعلان کرد که در روز ۱۵ مه۱۹٤۸ فلسطین را تخلیه کرده وجای خود را به سازمان ملل متحد میدهد ، ابتداتخلیه از شهرهائی که‌بیشتر آن‌یهودبودند صورت‌میگرفت وبا پرروئی تمام از روی‌هرچه دست برمیداشت، دست یهود را گرفته و روی آن میگذاشت ؛وبسیاری ازاسباب‌ووسائل‌ادارات واسلحه های خود را بیهوده می‌بخشید،وقسمتی

---

(۱)وقت‌جلسه‌روز۲٦نوامبرمعلوم‌شده‌بودآنروز معلوم‌شد که‌اکثریت لازم برای‌نصاب صدوررأی‌درآراءموافق تقسیم فلسطین‌نیست لذا ترومن تقاضای تأخیر سه‌روز نمود ورئیس سازمان موافقت نمود در ظرف‌سه‌روز امریکابافشار وعده ،تطمیع، تهدید نصاب‌رادرست کرد

از طیارات بمب انداز ومواد منفجره واسلحه های مدرن را هم باقیمت ارزانی بیهود فروختند و رسماً اعلام کردند که تاساعتی که برای خروج کامل معین نموده اند ، یك نفر از سر بازان عرب حق ورود بفلسطین را ندارندو قبل ازاین تاریخ، هر تظاهر نظامی که رخ دهد، انگلستان آنرا جنگ باخود تلقی کرده و بشدت میکوبد ، یهود که خود را از مجازات معاف میدانستند ، با اشارهٔ ارباب در این چند روز ،چندحملهٔ و حشیانه بمناطق عرب نشین کرده و مخصوصاً در دیر یاسین در یك حمله ۲۵۰ نفر را سر بریدند ؛ وده ها هزار نفر را آواره کردند ، در ناصر الدین هم صدها نفر را کشته وده‌ها هزار نفر آواره کردند ، خلاصه تحت حمایت بریطانیا دراین چند روز جنایات فراوانی کرده نزدیك هزار نفر کشتندوصدها هزار نفر آواره کردند و آنچه میتوانستند غارت کردند همهٔ این آوارگان بانتظار ۱۵ مه بودند که انگلستان برود و آنها بر گشته انتقام گیرند .

اعلان استقلال اسرائیل

در همان نیمه شب ۲۵/ ۲/ ۱۳۲۷ مطابق با ۱۵ مه ۱۹۴۸میلادی که انگلستان خاك فلسطین را ترك نمود . یهودیان بنام دولت اسرائیل در خاك فلسطین اعلان استقلال کردند ، و بخیال خود همهٔ فلسطین را زیر پرچم خود میدیدند .

بلا فاصله ارتش‌های مصر ، عراق ؛ سوریه ،سعودی سودانی ، لیبی؛اردن ولبنان که پشت مرز های فلسطین ؛ بانتظار رفتن انگلستان بحال آماده باش بودند ، همراه با آواره‌هائی که همان چند روز قبـل

خانه واملاك خود را ترك گفته بودند ،از شمال و شرق و جنوب وارد فلسطین شدند ،و بدون توجه به اندرزهای مزورانه سازمان ملل که مرتب آنها رادعوت بآرامش میکرد قوای یهود را در اغلب جا ها محاصره کرده و نیروهای هوائی مصر و عراق بسیاری از مراکز یهود را زیر بمب گرفتند . در ظرف دو هفته همهٔ آنچه را که یهود زیادتر از قرار تقسیم گرفته بودپس گرفته وخیلی جاهای دیگر هم یهود راعقب راندند .

انگلستان که همهٔ نقشه های سی سالهٔ خود را نقش بر آب می دید در سازمان ملل ،باشدت مشغول فعالیت شد ، چون هرراه دیگری را برای ایجاد آرامش مسدود دید دست با ولتیماتوم زد و اعراب را تحدید کرد که اگر جنگ خاتمه نیابد قرار دادهائی که از سابق با آنها در مورد فروش اسلحه داشته نقض میکند و دیگر اسلحه بآنها نمیدهد

سرانجام بافعالیت شدید انگلستان وامریکا و سازمان ملل ،اعراب دستور آتش بس را برای چهار هفته پذیرفتند و ۱۳۲۷/۳/۵ جنگ متوقف شد .

بعد از آنکه جنگ بعد شروع شد ، اعراب فهمیدند که این آتش بس تا چه حدّ بضرر آنها ونفع یهود تمام شده است دراین مدت کوتاه صلح ،شبکهٔ مرموزی که بحمایت دول بزرگ تنظیم شده بود ؛ مقدار زیادی اسلحه های مدرن بیهود رساندند از آمریکا ،انگلستان فرانسه، یونان ، ایطالیا - در راه خشکی ودریا بسوی یهود سیل اسلحه سرازیر بود ، عدهٔ زیادی کار شناس نظامی نیز به جمعیت پیوست ،وبا نقشه های اساسی خطوط جنگ را برای جبههٔ یهود تنظیم کردند .

پس از تحکیم وضع اسرائیل دو سه مرتبهٔ دیگر محارباتی بین اعراب واسرائیل واقع شد ، وقریب هشت ماه محاربات طول کشید تنها نتیجه‌ای که عایدشداین بود که ازغصب کامل فلسطین جلوگیری کردند . وقسمتی از فلسطین رادردست مسلمین نگهداشتند واین خود مایهٔ امیداست که روزی ازاین نقطه آتشی شعله گیردودستگاه اسرائیل غاصب راطعمهٔ حریق کند .

مدعیان عدالت وظلم فاحش

بایك‌نظر به تصویبنامهٔ تقسیم فلسطین در سازمان ملل ، اعمال غرض وقضاوت یکطرفه بچشم میخورد ؛ صرف‌نظر ازاینکه‌اصل تقسیم عملی ظالمانه است ؛ نحوهٔ تقسیم ظلم دیگری است ، که بدست این عدالتخانه اجراشده است .

آن‌روزی که‌لایحهٔ تقسیم به تصویب سازمان رسید ، در فلسطین ۶۲۹۰۰۰ نفر یهودی و ۱۳۱۹۰۰۰ عربی وجود داشتند ، یعنی جمعیت عرب بیش از دو برابر یهود بوده وانگهی این اقلیت‌یهود فقط مالك ۶/۶ در صد از اراضی بودند و بقیه ۴ ر ۹۳ در صد اراضی متعلق بأعراب بود .

ولی این مدعیان‌عدالت اجتماعی باتوجه بموضوع ، اصلاتناسب را در تقسیم مراعات نکرده ، وچنان ظلم فاحشی‌را مرتکب شدند که غرض ورزی آنها آفتابی است .

در نقشهٔ تقسیم ۱۴۲۰۰ کیلو متر مربع از مساحت فلسطین در سهمیه یهود بود وفقط ۱۲۰۰۰ کیلو متر مربع برای اکثریت عرب

منظور شده بود ، علاوه بر این سازمان ملل ، دستور صادر فرمود : ۴۶۰۰۰۰ هزار عربی که در منطقهٔ یهودی واقع میشوند ؛ با ۱۱۰۰۰ هزار یهودی که درمنطقه عربی واقعند مبادله شوند ؛ یعنی برای خاطر خوش آیند دول‌قوی حکم کرد که بیش از چهل برابر تعداد یهودی که‌از منطقهٔ عربی بیرون میروند ، از اعراب منطقهٔ یهود دست از خانه ء آشیانهٔ خویش بردارند وبجای دیگر روند زهی‌عدالت و انسانیت !!

از این بالاتر ، وقتیکه یهود جای پای خودرا محکم کرد باین تقسیم هم راضی نبود واز‌سهمیه‌ای که سازمان ملل برای اومعین کرده بود و۵۶ درصد ازمساحت مجموع فلسطین بود ، تجاوزنمودومتصرفات خودرا به۷۰ درصداز خاك فلسطین افزایش داد ، سازمان ملل ، که برای یکرسی نشاندن نظر خود اعراب را تهدید به دخالت مسلحانه میکرد ، همهٔ اینهارا میدید و فقط وقتی که فشار افکار مسلمین شدت میگرفت ، باصادر کردن‌یك ملالت نامه‌علیه اسرائیل، شانه از زیر بار مسؤلیت خالی‌مینمود (۱) .

کمکهای استعمارگران به اسرائیل

تعبیر بلفظ« کمك»در مورد این دولت پوشالی مخلوق استعمار،

---

(۱) وسعت خاك فلسطین ۲۷۰۲۴ کیلو متر مربع است ، ۲۰۸۵۰ کیلومتر آن که قریب هفتاد درصد است فعلا تحت تصرف یهود است‌وبقیه سی در صدآن که تقریباً ۶۵۰۰ کیلو متر مربع است ، در تصرف مسلمین باقی مانده که‌قسمتی‌از آن که‌استان‌غزه‌است توسط مصراداره‌میشرد و بقیه توسط اردن هاشمی

و برای مصالح استعمار است، با اینکه تعبیر نارسائی است ، ولی لفظی هم غیر از این برای عنوان این فصل بنظر نمیرسد ، در این جا بچند نمونه از خدمتهای علنی آنها اشاره میشود :

۱- پس از اعلان استقلال ، بلافاصله ، دولت آمریکا ، اسرائیل غاصب را برسمیت شناخت : و تا آنجا که تیغش می برید بدول دیگر هم توصیه نمود .

۲ ـ دو ماه بعد ، همین دولت توسط بانك توسعهٔ صادرات در تاریخ ۲۹/ ٤/ ۱۳۲۷ صد میلیون دولار باسرائیل کمك نمود، درتاریخ ۱۵ مارس ۱۹۵۲م هاندرسن نماینده رسمی وزارت تجارت آمریکا اعلان کرد که مجموع کمکهای بلاعوض ووام آمریکا در چهار سال بین ۱۹٤۸ و ۱۹۵۲ به اسرائیل هزار میلیون دولار است

۳ـ در تاریخ ۲۱/ ۲/ ۱۳۲۸ یکسال پس از اعلان استقلال با همهٔ مخالفتهائی که از طرف دول مسلمین ورفقایشان میشد، بافشاردول قوی؛ اسرائیل را بعضویت سازمان ملل پذیرفتند .

٤- وزرای خارجهٔ آمریکا ، انگلستان ، فرانسه ، در سال ۱۳۲۹ دو سال پس از استقلال اسرائیل و تجاوزاتش برای تثبیت مرز های او کنفرانسی درلندن تشکیل داده ، مرز های موجود خاور میانه را برسمیت شناخته وتضمین نمودند

۵- حزب منفور بهائی را که آنهم ساختهٔ خودشان است ،وادار کردند که عکای اسرائیل را مرکز فعالیت قرار داده ودر همه جای دنیا این دوحزب میشوم و مفسده جورا بهمکاری وادار مینمایند .

۶. تا موقعیکه از خطر نفوذ شوروی در خاورمیانه نمیترسیدند، یا باعراب اسلحه نمیدادند ویا اسلحه‌هائی میدادند که در موقع دعوی منجر بشکست آنها میگشت ،واز موقعی که‌خطر شوروی احساس‌شد، با اینکه سیل اسلحه را بسوی اعراب سرازیر کرده اند ، همیشه، یك نوع جدید اسلحه به اسرائیل میدهند که در ارتش اعراب نباشد

اینروز ها که‌خبر کارخانه جت‌سازی‌مصر وخبرموفقیت مصردر ساختن موشك وسلاحهای اتمی ومیکروبی بهمکاری کارشناسان نظامی آلمان‌فدرال ، پخش شده ، دول‌غرب‌هم‌اعلان نمودند که ببهانهٔ حفظ موازنه در خاور میانه ، موشك به اسرائیل خواهند فروخت روزنامه اطلاعات در شماره ۱۱۰۵۷ ورادیو ایران‌در اخبار تاریخ۱۳۴۲/۱/۱۴ این خبر رابصورت تصمیم آمریکا پخش کردند ولی رادیوصدای آلمان در برنامه فارسی ۱۵/ /ر ۱۳۴۲ فاش کرد که‌قرار تحویل موشك بین اسرائیل‌و آمریکا منعقد شده و کندی‌رئیس جمهور آمریکا هم‌درمصاحبهٔ مطبوعاتی مورخ ۱۶/ ۱/ ۴۲ باین موضوع اشاره کرد.

آوارگان

یکی از اسف بارترین آثارشوم غصب فلسطین ، حادثه آوارگی وویلانی بیش از یکمیلیون نفراز مسلمانان‌مظلوم است ؛ اغلب اینها در اثرحمله‌هائی که درهمان اوائل استقلال اسرائیل به‌شهرها یا دهات‌ویا محله‌های‌عرب‌نشین‌میشدمجبور بترك‌تمام هستی خود شده وبکشور های دیگر یا منطقهٔ عربی فلسطین گریخته‌اند ، اینها که تمام موجودی خود رادر دست دشمنان رذل خود گذاشته‌اند ، خود با دست خالی با فقرو

مشقت جانفرسا زندگی مینمایند.

۴۳۰ هزار از این مسلمانان، فعلا در آن قسمت فلسطین که بدست اعراب استمیباشند و ۱۰۰ هزار نفردر اردن بسرمیبرند، ۱۱۰ هزار نفراز آنها به لبنان پناه برده و ۱۰۰ هزار هم در سوریه زندگی میکنند، قریب ۲۱۰ هزار بآستان غزه که در دست مصر است آواره شده و بیش ازده هزار نفر درممالك مصر و عراق حجاز . . . پراکنده شده‌اند.

و نزدیك ۲۸۰ هزار نفرهم هنوز ازمسلمانان ومسیحیان عرب در منطقهٔ اسرائیل باقی مانده، وتحت فشار وایجادنا راحتی‌ها وتبعیضات ظالمانهٔ آن حکومت بمرگ تدریجی ادامه میدهند.

طبق صورتیکه اتحادیه عرب: ازاموال اعراب آواره که بدست یهود مانده‌است، تنظیم‌نموده به‌قیمت آنروزقیمت مجموع‌ترکهٔ آنها یك بلیون و نهصدوچهل‌وسه‌میلیون لیره استرلینگ است ۱/۹۴۳۰۰۰/۰۰۰ لیره بقرارذیل:

ارزش دوازده‌هزاروشصت هکتار باغات پرتقال ومتعلقات	۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ لیره
یکصد هکتار باغات موز	۱/۰۰۰/۰۰۰ «
پنجاه وسه هزار شصت هکتارباغات زیتون ومتفرقه	۲۷۵/۰۰۰/۰۰۰ «
پانصدهکتاراراضی زراعتی	۳۰/۰۰۰/۰۰۰ «
یک‌لیون و دویست وسی‌هزارهکتار مراتع	۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ «
تمام منازل ومستغلات	۱۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ «
اموال منقول از اثاث وجواهرات وغیره	۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ «
حسابهای مسدودشدهٔ اعراب دربانك انگلیس مقیم اسرائیل	٦/۰۰۰/۰۰۰ «
حسابهای مسدود نزدشرکتها وودایع موجوددرشرکت بیمه	۱/۰۰۰/۰۰۰ «
جمع	۱/۹۴۳/۰۰۰/۰۰۰ «

صاحبان این ثروت هنگفت در بلاد غربت، یا در بیاباتها ویلان و سرگردان بسر میبرند، وبا وضعی زندگی میکنند که راستی عقب مانده ترین و وحشی ترین مردم مناطق دنیا بر ایشان ترحم میکند.

متجاوز از سیصد هزار نفر، از صاحبان این ثروت هنوز در بیابان فلسطین، درچادرهائی که سازمان ملل برایشان تهیه کرده وسردی زمستان و گرمای تابستان آنها را رنج میدهد، بسر میبرند، وازممر اعانات و کمکهای ملل دیگر واحیاناً صدقات و . . قوت لا یموتی بدست می آورند، فرهنگ، بهداشت، آب، و وسائل زندگی آنهاعصر توحش بشر را بیاد میآورد.

یکی از مواد یکه سازمان ملل متحد در قرار داد ترك مخاصمهٔ بین اعراب و اسرائیل گنجانده است: اینست که آوارگانی که مایلند بوطن مراجعت نمایند، اسرائیل موظف است تمام املاك واموال آنها را پس بدهد و در داخل اسرائیل با کمال آزادی وبدون اینکه تبعیضی در کار باشدزندگی کنند، و آنها که مایل نیستند بر گردند طبق نظریه ارزیاب سازمان ملل قیمت املاك آنان بآنها داده شود واسرائیل هم این را امضاء کرده است.

اما یهود مثل صدها موارد دیگر این ماده را هم نقض کرده.و باحدی اجازه مراجعت نمیدهد، پدران مهربان دولت اسرائیل ومادر مهربانش (سازمان ملل) که نمیخواهند پا کزادهٔ آنان دلشکسته شود همهٔ این تجاوزات ونقض عهدها را می بینند؛ در حالیکه در دل غنج وبرلب تبسم دارند وپشت پرده تحریك هم میکنند فقط گاهی سر زنش

شیرین پدرانه ای متوجه اسرائیل میکنند (۱)

معمای آوارگان یاروزنه امید

حقیقت اینستکه قضیه آوارگان، اسرائیل وسازمان مللرا در بن بست سختی قرار داده است. زیرا خاك اسرائیل خیلی بیش از آنچه ظرفیت داشته است ازمدتها پیش توسط سیل مهاجران (بخیال خام که دولت اسرائیل بعداً مالك تمام منطقه فلسطین میشود) اشغال شده است ترا کم جمعیت بقدری است که بهیچوجه امکان پذیرفتن یکملیون آواره را ندارد.

زیرا در وسعت ۲۰۸۵۰ کیلو متر که بنظر خود سازمان ملل ۶۵۰۰ کیلو متر آن غصبی است و باید به منطقهٔ عربی فلسطین بر گرد ـ ۲/۱۰۵/۲۳۰ جمعیت فعلا زندگی میکنند اگر این یکملیون نفر: بر گردند واملاك خودرا پس بگیرند وضع اقتصادی مردم اسرائیل بهم میخورد واتکهی مگر این دولت جوان میتواند باوجود قریب یکملیون ونیم دشمن سرسخت داخلی و آنهمه دشمن که اطراف اورا احصار کرده اند

---

(۱) طبق آمار رسمی مملکت اردن هاشمی، در ۲۶ ماه اول تشکیل حکومت غاصب اسرائیل ۶۲٤ مرتبه این دولت ظالم در مرز اردن دست بتجاوز زده است و غیر از غارتها ودزدیهائی که کرده اند متجاوز ازصد نفر کشته، هشتاد و پنج نفر مجروح نموده و هشتاد وسه نفر مفقود الاثر شده اند.

و منابع قطعی رسمی نشان میدهد که در خلال شش سال بین ۱۳۲۸ و ۱۳۳٤ یکهزار ویازده مرتبه به کشورهای اسلامی مجاور تجاوز کرده است

بحیات کثیف خود ادامه دهد ؟!

خوشبختانه باهمه رنجهای طاقت فرسائی که آوارگان میبرند، این قضیه‌از نظر اینکه حادثه‌فلسطین‌را همیشه‌تازه نگهدارد واحساسات زنده اعراب را زنده تر کند بهترین ماده است و فقط همین موضوع است که مایه امید است واز همین مجری است که ممکن است روزی باتمسك به قانون سازمان ملل فلسطین عزیز از دست یهودیان غاصب نجات یابد.

درسایه همین‌عامل است که دنیای‌عرب باهمه تشتت واختلافاتی که‌دارد باتفاق‌کامه علیه حکومت اسرائیل دست بکار است این‌قضیه بقدری به‌مسئلهٔ فلسطین حساسیت داده که هردولت عربی اگر مختصر اظهار تمایلی‌به‌اسرائیل نمایدفوراً بدست ملت‌خودساقطمیگردد(سقوط فاروق درمصر و نوری‌سعید درعراق معلول همین‌است) جای‌خوشبختی استکه خودآوارگان واعراب کاملا باین نکته‌پی برده‌اند وبهیچوجه حاضر نیستند ولو با گرفتن هر امتیاز؛ دست از حق رجوع بوطن خود بر دارند.

سازمان ملل برای اینکه این ماده‌را بخشکاند، مکرر از دول عرب خواسته استکه آوارگان‌را بعنوان تابع‌ملت خودبپذیرند، ولی اعراب که فریبهای‌متوالی این‌سازمان انحصاری واستعمارگران، درس روانی بآنها داده؛ رسماً اعلام کرده‌اند که پذیرفتن یکنفراز آنها هم بعنوان‌تابع برایشان مقدور نیست وخودآوارگان‌هم صریحاً میگویند: هیچ راه‌حلی غیراز ارجاع بوطن‌را نخواهند پذیرفت وعلی رغم گمان

اسرائیل‌واستعمار گران‌تحمل‌رنجها، آنهارا نه‌تنها خسته ومنصرف‌نکرده بلکه‌برای رجوع‌به‌وطن حریص‌وجدیتر نموده است .

خطر یهود

خطراتیکه ازناحیه جاسوسی وخرابکار یهود درممالك اسلامی ایجاد میشود آنقدر زیاد است که همه کس‌برای خود چند مورد را می‌داننددرعراق ، سوریه ، لبنان‌مکرراًشبکه‌های جاسوسی‌وخرابکاری یهود کشف شد . . .

ضررهائیکه تابحال ازناحیه این دولت پوشالی بدنیای اسلام و مخصوصاً عرب وارد شده است واقعاً از حساب بیرون است هزار هما کشتگان کشتارهای‌دوره نوسان‌فلسطین ، غارتها ، چپاولها ، جنگها ناامنیها ، خسارتها، قحطیها ، جاسوسیها، آواره گیها وصدمات‌روحی فراوان و اخلال گریها . . . . چیزهائی است که تا کنون میوه این درخت مبارك بوده است .

نقشه واقعی‌یهود ودول استعمار گراز ابتداء شعاعی خیلی وسیع تراز این داشته هنوز هم برای اجرای آن دنبال فرصتند از گفته‌ها و نوشته‌های آنها برمیآید هدف‌اینست که‌تمام یهود عالم که تقریباً پانزده ملیو ن‌نفرند دراین منطقه‌جمع‌شوند وحکومتی مستقل ومحکم‌تشکیل دهند وبرای‌اینمنظور مساحتی‌چندبرابرخاك اسرائیل لازم دارند.

درتورية موجود دردست‌اینها وعدهٔ‌تصرف‌منطقه‌وسیعی که‌ازلبنان تارود نیل وازبحر متوسط تاساحل فرات امتداد دارد . موجوداست، وبن گوریون نخست‌وزیر اسرائیل درنطقیکه هزاروسیصدوبیست‌وهفت

درسازمان ملل نموده بهمین مضمون اشاره کرده است ونورمان یهودی در کتاب (فلسطین الیهود) عین عبارت توراة را چنین نقل کرده است:

الارض الموعود هی من البحر المتوسط حتی الفرات ومن لبنان حتی نهر النیل.

نقشه‌هائیکه برای اسرائیل ایدال آنها بصورت رسمی از طرف دولت منتشر شده شامل تمام فلسطین و اردن، سوریه، لبنان مقدار زیادی ازعراق قسمت وسیعی ازمصر (تمام صحرای سینا و دلتای نیل) وقطعه ای ازحجاز که مشتمل بر مدینه منوره است میباشد و مکرردم از اراضی خیبر میزنند در نقشه‌های مدارس یهود، کناراردن و بقیه فلسطین نوشته‌شده‌است «اسرائیل فعلا بدست اعراب است» درخصوص تصرف مسجداقصی و آرزوی بنای هیکل سلیمان **برقبه صخرة مقدس** بسیار سخن میگویند.

اسرائیل کاملا بدشمنی اعراب واقف است و خوب میداند که مسلمین مترصد فرصتی هستند که حکومت اسرائیل را ریشه کن کنند ولذا بیشتر سعی او متوجه تقویت نظامی شده است وغیر ازمخارج مخفی که درراه تسلیح وتقویت دارد طبق مدارك موجودپنجاه‌ویك در صد از بودجه‌اش مصرف قوای نظامی میشود، وخدمت نظام برای عموم زن ومرداجباریست وتقریباً جمیع یهود فلسطین درموقع احتیاج میتوانند در ارتش خدمت کنند ار بابان استعمارگر او هم همیشه از کمکهای نظامی بیحد وحصر دریغ ندارند وغیر ازهمه اینها تمام یهودعالم موظفند که بعنوان تقویت بنیه نظامی اسرائیل درمقابل ممالك عربی کمکهای

ملی بنمایند و باهمه کوششی که درراه تقلیل واردات دارند وارد کردن اسلحه بهیچوجه محدودیتی ندارد .

ضرر دیگریکه همین دولت کوچك موجود اسرائیل دارد اینستکه وحدت جغرافیائی ممالك عربی را بهم زده وسد عظیمی بین منطقه شام و عراق و جزیرةالعرب ازطرفی . و مصر و بلاد مغرب از طرف دیگر واقع شده وراه این دو قسمت مهم را از یکدیگر قطع کرده است .

مبارزه اسرائیل

با آنچه که در مظالم اسرائیل گفتیم معلوم شد که مبارزه با اسرائیل وظیفه هر فرد مسلمان ووظیفه هر کسی است که معتقد بعدالت است .

از حق نمیشود گذشت که جامعهٔ اعراب ، در مورد فلسطین بسیار خوب مبارزه کرده است بااینکه میدانستند دولتهای بزرگی که حامی اسرائیل هستند ودو زندگی خود اعراب هم تأثیر فراوان و نفوذشدیدی دارند از مبارزهٔ بااسرائیل خیلی ناراحت میشوند معذلك ازمبارزات مثبت ومنفی خودداری نمیکنند؛ بمبارزات مثبت آنان در دوران انقلابات فلسطین پس از قیام اسرائیل اشاره‌ای نمودیم .

در مورد مبارزات منفی انصافاً تابحال خیلی خوب ادامه داده‌اند بطوریکه شواهد نشان میدهد تصور آشتی هم برای اعراب بسیار گران است بمحض اعلان استقلال اسرائیل جامعه دول عربی یك تصمیم جدی گرفت وبلا فاصله یك حصار اقتصادی محکمی بدور اسرائیل کشید

مجلس رسمی جامعه با امضاء تمام ممالك عربی ، تمام انحاء ارتباطات اقتصادی با اسرائیل را حرام کردو برای متخلفین مجازات شدیدمقرر کرد طبق دستور این مجلس ، مصرف کردن کالاهای اسرائیل اکیداً ممنوع وفروختن هر نوع کالابآنها نامشروع شده با توجه باینکه اسرائیل برای آب کردن مصنوعات خوداحتیاج شدید ببازار آنهم در کشورهای مجـاور دارد عظمت این اقدام خیلی روشن است و از طرفی در اثر کوچکی خاك و کثرت کارخانجات و تورم جمعیت احتیاج زیادی بمواد خام دارد و آوردن مواد خام از ممالك دور دست هم صرف نمیکندمنع فروش مواد خام بر آنها خیلی گران تمام میشود .

پا را بالاتر گذاشته و مقرر کردند با ممالکی که با اسرائیل ارتبا طـات حسنه دارند دول عربی عضو جامعه ، حق ندارند با آنها ارتباط بر قرار کنند

هنوز هیچیك ازدول عربی اسرائیل را بر سمیت نشناخته واغلب ممالك اسلامی هم حاضر نشده اند او را برسمیت بشناسند و اگر احیاناً مملکتی اسلامی اسرائیل را شناخت فوراً موردقهر ممالك عربی واقع گردیده

لیاقت علیخان نخست وزیر پاکستان در جواب دول غربی که تقاضای شناختن اسرائیل را از او کردند گفت:

عجبـا ! معلوم میشود در دموکراسی رسمی امروز جهان باید به زور گو مشلق هم داده عدهٔ غارتگر خانه مسلمین را غصب کرده اند

و سرپرستهای آنها از ما میخواهند که بتجاوز آنها تبریك وتهنیت بگوئیم .

وقتیکه ملت رشید الجزائر پس ازهشت سـال مبارزه استقلال بدست آوردند و دولت اسرائیل اعلان کرد که الجزائر را بر سمیت شناخته ؛ رئیس جمهور الجزائـر با شدت ، شناختن او را رد کرد و بصراحت گفت تو دولت غاصب صلاحیت چنین اظهاری را نداری .

۞ ۞ ۞ ۞ ۞ ۞

برای تنظیم و تهیه مطالب این مقاله از کتابهای زیر استفاد شده است .

القضیة الفلسطینیة »	ازا کرم زعیتر
مسلمین جهان »	م .رهنما
لغت نامه دهخدا »	دهخدا
دائرة المعارف »	فرید وجدی
خطر جهود »	سید غلامرضا سعیدی
تمدن اسلام و عرب »	گوستاولبون
ندائی ازسرزمین بیت المقدس	حاج میرزاخلیل کمره‌ای
اسرار مخفی یهود	

۲

آوارگان وطن می‌خواهند

در یکی از دوره های شورای سیاسی سازمان ملل که مخصوص رسیدگی به وضع آوارگان فلسطین تشکیل شده بوده و نمایندگان دول عرب در آن شرکت داشتند، پس از آنکه گزارشات رئیس آژانس دستگیری پناهندگان مستر «**دیفمر**» در بارهٔ وضع پناهندگان قرائت شد، **آقای اکرم زعیتر** نائب رئیس هیئت اعزامی اردن، نطق پرشور وغرائی ایراد کردند که در اینجا ترجمهٔ آن را از نظر خوانندگان میگذرانیم،

تا بدانند که برادران مسلمان آوارهٔ آنان که داروندار خود را پشت سر خود در دست یهودیان گذاشته‌اند وخود در نهایت فلاکت و نکبت و بدبختی در بیابان‌ها وصحراها وخیمه‌ها وداخل غاره ها واطاق های چوبی و غارها بسر میبرند وازمجرای صدقات ملل عالم که توسط سازمان ملل بآنها داده میشود بازندگی برزخ میان بسترهای وحشی و متمدن میگذرانند چگونه زندگی میکنندوچه میخواهند؟.

آقای رئیس !

نمایندگان اردن پیش ازآنکه درحاشیهٔ گزارشات و نظـرات آقای «دیفنر» رئیس آژانس دستگیری پناهندگان صحبتی کنند خاطر آنجناب وسایر حضار را مستحضر میدارند که :

اردن غیراز اینکه عضو مجموعهٔ دنیای عرب است کـه حادثـهٔ فلسطین راحادثه خویش میدانند، تعداد۶۳۰/۷۲۵ نفـر از آوارگان فلسطینی را که تقریباً ثلث مجموع جمعیت اردن‌میباشند پناه‌داده است واین باربردوش اوسنگینی‌میکند

ما بیش ازهر کس ازاین فاجعه خسارت دیده‌ایم وبیش ازهمه با آوارگان تماس داریم ولذا بهتراز دیگران ازوضع آنان‌ومکنون‌ضمیر وخواسته‌های آنان مطلعیم

بنابراین‌جادارد که‌حضار محترم به‌اظهارات‌ماراجع‌به‌آوارگان خوب توجه‌فرمایند ...

جوهر قضیهٔ آوارگان :

مطلب مهمی که بآن معتقدیم وبدنیا اعلام میکنیم‌ودنیارا دعوت به‌توجه بآن‌مینمائیم اینست که :

جوهر قضیهٔ‌آوارگان فلسطینی وآنچه که میتواندآنانرا قانع وراضی کند ، چند لقمهٔ نان برای قوت‌لایموت وچندقطعهٔ پارچه‌برای سترعورت وچند چادر وخیمه برای جلوگیری ازتابش‌آفتاب وریزش رگبار باران یاچند بخاری وچراغ وچند شاهی پول که از مجـرای صدقات‌بدست میآیدنیست

مسئلهٔ آوارگان مسئله سیاسي وملي است ، مسئلهٔ ملتي است

که ازوطن ومأوای خوداخراج شده وخانه ولانه وباغ وزمین ومغازه وسرمایه و... که صدها سال آباء واجدادشان در آنهازندگی‌داشته‌اند ازدستشان گرفته‌شده است

موضوع شرافت وحیثیت یك ملت‌است که امانت بیش از هزار سالهٔ پدرانشان‌را که بایستی به‌نسل بعد تحویل دهندبه زور ودوز و کلك‌از آنها بغصب ربوده شده است

بدون شك آن شعلهٔ عشق بوطنی که هر آن پیش چشمان آنها مجسّم است ، خاموش شدنی نیست واین شعلهٔ جاویدان ، تا زمانیکه این مردم فلك‌زده دارو ندار خودرا جلوچشمان خویش در تصـرف دشمنان خون آشام شان به‌بینند وخود باذلّت و نکبت ازمجرای‌صدقات امرارمعاش میکنند وبلند گوهای صهیونیسم؛ یهود عالم رادعوت‌میکنند که به سفرهٔ آماده دیگران بیایند وعیاشی نمایند . روزافزون‌است .

تنها دروطن مألوف آنان **فلسطین** میشود آوارگان راآرام و راحت کرد، تنها درفلسطین

وقتیکه عمریکی‌ازاین آوارگان. دراین تبعید گاه‌به‌آخرمیرسد؛ در بستر مرگ بچه‌هایش‌رابدور خویش جمع میکندومخصوصاً بچه‌هائیکه دردوران آوارگی بدنیا آمده‌اند وازآنهمه وسائل‌زندگی وناز ونعمت‌خود درداخل‌اسرائیل‌اطلاع ندارند ، وبآنها وصیت‌مینماید که: نباداازفکراسترداد‌فلسطین‌عزیزمنصرف‌ومأیوس‌شویددرهمین‌پشت‌مرزها بمانید وخود راآمادهٔ فداکاری درراه بیرون کردن یهودغاصب‌چپاول گرکنید تابخانه‌های خودبرگردید .

واین خود میرساند که گذشت زمان نمیتواند عشق به فلسطین

عزیزرا دردلها ومغزهای این‌مردم ستمدیده کهنه وآنانرا مأیوس نماید

آقای «دیفنر» خوب روحیهٔ این مردم‌را بدست آورده که‌میگوید: حق اینست که نمیشود بین روحیه وافکار آوارگان فرقی گذاشت چه آنها که‌با جان کندن برای خود وعائله‌شان نان‌تهیه میکنند وچه آنها که‌درخیمه‌ها بیکار نشسته‌اندوچه آنها که‌هنوزاصلارنگ‌خانه‌ولانهٔ خود را ندیده اند ، همگی یکسان عـاشق و دلبا ختهٔ مراجعت بـه وطن میباشند .

علل‌وعوامل این‌مشکل:

حال که ما‌در صددحل این‌معما بر آمده‌ایم ؛ ناچاریم که‌حقیقت آن‌وعلل وعوامل آنرا از نظر بگذرانیم

من‌فعلا‌بحثی‌ازماهیت‌صهیونیسم که‌میشود آنرادردو کلمهٔ«دعوا گر زور گو»خلاصه کردندارم‌وصحبتی هم‌از وعدهٔ«بالفور»وزیر امورخارجه انگلستان که درچهل وچهارسال قبل به روچیلدیهودی‌قول ایجاد وطن نژادی یهود در فلسطین که نه ملك انگلستان بود ونه بی صـا حب ، داد ، نمیکنم .

حرفی‌هم‌ازاینکه‌این چنین وعده‌ای که‌بوئی از مشروعیت‌نداشته وحتی‌درقانون‌بین الملل آنروز لغت و طن نژادی مفهو می نداشت ، نمیزنم .

دراین مجلس ، در باره کیفیت گنجاندن این وعده در کفالت نامهٔ سرپرستی فلسطین که اصلا بمنظور تربیت کردن و آمـاده‌نمودن اهالی‌اصلی برای حکومت مستقل وآزاد بوجود آمده‌بود ، واستعمار صهیونی‌انگلیسی آنرادرراه یهودی کردن فلسطین عزیزو بیرون‌نمودن

اهالی آن استخدام کرد ودردوران سرپرستی‌منفور خود ارتش وپلیس و سیاست دوز وکلك استعماری خود را برای ایجاد دولت یهودی بسر خرابه های اجتما عات عربی صاحب خـانه بمیدان کشید گفتگوئی نمیکنم

آری فعلا ازاین صفحهٔسیاه ونکبت بارتاریخ بشریت برای شما چیزی نمیخوانم ، ولی وقتیکه میخواهم از آن بگذرم ناچارم که‌نکات وحقایق ذیل‌را تذ کردهم :

۱ : آنروز که بریتانیا بعنوان‌قیم وسرپرست،فلسطین‌را تحویل گرفت حدود پنجاه‌هزار نفریهودی وهفتصدهزار نفرعرب در آنجـا زند گی میکردند ولی آنروز که این قیم عادل ! فلسطین را تحویل سازمان ملل داد حدود ششصدوپنجاه‌هزار نفر یهودی را علی‌رغم‌ارادهٔ اهالی (درمدت سی‌سال) به‌فلسطین آورده بود .

البته عرب در مقابل این طـوطئهٔ استعماری ظالمانـه که علیـه موجودیتشان طرح‌شده بود دست‌بسته‌وآرام ننشستند : و یافدا کاری اعجاب آورد ، بمبارزه بااستعمار بر خاستند ، سی‌سال تمام بانیروهای جهنمی‌استعماروصهیونیسم‌بین‌المللدر کشتی‌و گیروداو بودندوبا امکانات ناچیز خود بادادن بیش ازده هزار قربانی ، تاآخرین رمق‌بااستعمار جنگیدند .

درسال ۱۹۳٦ سراسرفلسطین وبسیاری از ممالك عربی‌رابرای اعتراض به‌جنایات استعمار اعتصاب بی سابقه‌ای‌فرا گرفت که‌نزدیك شش ماه‌ادامه یافت

آری آقای‌رئیس : شش ماه مردم فلسطین غرق در اعتصاب و

تعطیل بودند ودرضمن اعتصاب یکی از نه انقلاب عظیم فلسطین رخ داد ، که تاریخ فلسطین آنرا بعنوان یکی از افتخارات جاویدان مردم‌مبارز فلسطین درسینهٔ فراخ خود نگه خواهد داشت

دردوران سرپرستی یهودیان باتمام قدرت مشغول تقویت بنیهٔ نظامی خود شدند ، جوانان یهودی پس از دیدن دورهٔ تعلیمات نظامی؛ مسلح به فلسطین مهاجرت میکردند ودر داخل فلسطین در جلو چشم مقامات مسئول انگلیسی یهودیان مشغول تعلیم وتربیت نظامی وتقویت بنیهٔ جنگی خود بودند وانگلستان دم‌نمیزد ؛وقتی استادان نظامی واسلحه ومهمات بآنها کمك‌هم میکرد .

ودرهمین موقع اگر مقامات انگلیسی میفهمیدند که یك عرب تفنگ ویاحتی فشنگی همراه داردبدون محاکمه او را تحویل چوبهٔ دارمیدادند ، باعتراف وزیرمستعمرات انگلستان تنها درسال ۱۹۳۷– ۱۹۳۸ یکصدو سی‌وهشت نفر عرب باتهام حمل اسلحه درزندان عکا اعدام‌شدند که‌درمیان آنهاشیخ **فرحان‌سعدی** هشتادساله درماه‌رمضان درحال روزه بتسلیم‌چوبه‌دار گردید .

لابه‌آقای«هیوفوت» که‌اکنون‌درمجلس‌حاضر ندو آنروز فرماندار نابلس بودند بخاطر دارند که چقدر پیش نمایندهٔ عالی انگلستان ؛ برای نقض حکم اعدام آن پیرمرد بزرگوار وساطت کردند ونتیجه نگرفتند.

آن اعتصاب وآن قربانیان عزیز و آن انقلاب عمیق بالاخره دولت استعمارگر انگلستان‌رابزانو درآوردو کتاب سفیدسال۱۹۳۹ را صادرنمود وباصراحت اعلام‌نمود که منظور ، ازوطن نژادی‌یهودتشکیل

دولت یهودی نبوده‌است.

نفوذ و قدرت صهیونیسم :

عجب اینست که نظریه تمام بازرسان در انقلاب‌ها و حوادث، این بود که علل و عوامل اضطراب ها و آشوب‌ها همان سیاست ایجاد دولت یهودی وروی خوش استعمار باصهیونیسم است ولی نفوذ صهیونیستها در دولت‌های استعماری همهٔ این نظرات را بی‌اثر میکرد و فاجعه را روز بروز اسف‌بارتر ومصیبت افزاتر مینمود .

تازه خود انگلستان‌هم دچار خرابکاری‌های فراوان صهیونیسم شده‌بود، حمله میکردند خرابکاری می‌نمودند ، ترور میکردند وقهرو ناز بخرج انگلستان میدادند ؛ ودرمقابل‌مواجه با لطف و محبت کسانی میشدند که مقدرات‌مملکت‌ها را در دست‌داشتند .

اصولا دراثرمیدان دادن‌بیهود، اواخر بریتانیا به‌بن‌بست رسیده بود وازامکان اجرای‌وعدهٔ کتاب سفید مأیوس گردیده‌بود وحتی‌وزیر خارجهٔ انگلیس درمجلس عوام آن کشور ، روز ۱۳ نوامبر ۱۹٤۵ گفت: «مادر اثروعده‌های‌متناقض که در مناسبت‌های مختلف‌به‌طوائف مختلف داده ایم در بن بست‌سخت‌وغیرقابل نجاتی‌قرار گرفته‌ایم».

انگلستان مکّار عوض اینکه درپایان دورهٔ سرپرستی به‌فلسطین استقلال‌دهد ومقدرات مملکت‌را بدست مردم بسپاردزمام‌امور فلسطین رابدست سازمان ملل متحد سپرد وسازمان ملل‌هم بافشار واعمال‌نفوذ امریکا وسایر استعمار گران‌رأی‌به‌تقسیم فلسطین داد.

من‌فعلا نمیخواهم ازمصیبت‌عُظمای‌تقسم که ریشهٔ همهٔ‌بدبختیهای مــردم فلسطین شد ، بحث کنــم ، و فقط میخواهم بدو نکتهٔ اساسی

اشاره نمایم.

۱ـ سازمان‌ملل دیروز وامروز :

: سازمان‌ملل در روزیکه قرار تقسیم فلسطین را صادر کرد(۱۹ نوامبر۱۹٤۷) فقط پنجاه‌ودوعضوداشت وعدد آراء موافق(باهمهٔ ارعاب وتهدید وتطمیع امریکا) فقط ۳۲ رأی بود که‌تازه اغلب اینها نماینده‌گان ممالك کوچك بی‌شخصیت بودند که تعدادموکلین آنها کمتر از موکلین‌مخالفین بودند.

سازمان ملل امروز غیر از سازمان ملل دیروز است ، چهل و هفت دولت دیگر فعلا عضویت این سازمان را دارند که آن روز عضو نبودند عده‌ای ازاین اعضاء جدیدممالك استعمار زده ای هستند که سالها جنایات استعماررا تحمل کرده وتلخیهای آنرا چشیده اندو درراه آزادی مبارزه کرده اند و جان کنده اند و قربانی داده اند ، حتما چنین مردمی حاضر نیستند که طرفدار ارادهٔ استعمار و پایمال کردن حق وعدالت باشند وبضررهم زنجیران خود رأی بدهندواگر آنروز وضع‌سازمان‌ملل‌مثل‌امروزبودحتماً‌لایحهٔ‌تقسیم‌فلسطین‌اکثریت آراء را بدست نمیآورد.

حوادث الجزائر و کشورهای افریقای جنوبی و کوبا و .. . و فعالیت‌های‌سازمان‌ملل‌راجع‌به‌آن کشورهامارا بآینده فلسطین‌امیدوار کرده ووادارهم میکند که ازاین شورا بخواهیم خطاوجنایت سازمان آنروزرا درمورد فلسطین جبران کنند

لااقل دربارهٔ مصیبت‌مرگبار آوارگان فلسطین؛ که‌هنوزتجاوز صهیونیسم‌به‌تصمیمات وقرارات سازمان ملل درمورد آنها ادامه دارد؛

فکری کنند ومانع اعمال نفوذ وخلافکاری های صهیونیست‌های‌عامل استعمار بشوند ودستور دهند که قرار حق مراجعت به وطن در مورد آوارگان‌فلسطین که‌سازمان ملل ناقص آنروز هم برای آنهاقائل شده است اجرا گردد ، باز هم تذکر میدهم هنوز دست استعمار خاك سیاه ومصیبت‌به‌سر آوارگان‌فلك زده‌فلسطین میباشد.

۱ـ عوامل آوارگی:

: قرار تقسیم سازمان ملل ، پنجاه وشش درصد ازخاك‌فلسطین‌را به یهودیان که فقط درآنروزمالك‌پنج‌ونیم در صدازاملاك‌فلسطین‌بودند واگذار کرد، یهودی که از نظر جمعیت فقط ثلث مجموع جمعیت فلسطین راتشکیل میدادند. وبعرب که بیش ازهزار سال‌قبل ازآنکـه حزب صهیونیسم‌خلق بشود ، مالك وصاحب فلسطین بودند ودو ثلـث جمعیت فلسطین ونودوچهارونیم درصدازخاك فلسطین‌را دارابودند،فقط چهل‌وچهار درصد ازخاك فلسطین داده‌شد.

تازه ،علی رغم همین تقسیم جابرانه وظالمانه ،یهودیان‌برخلاف قرارسازمان ملل: به‌بقیهٔ‌خاك‌فلسطین‌هم‌تجاوز کردندوبازمساحت‌زیادی ازآن‌مقدار ناچیزعرب‌رابه‌پشتیبانی استعمارگران غصب کردند واین خودسبب تراکم مصیبت آوارگان گشت .

گفتم‌این تجاوزسبب‌تراکم مصیبت شد ونگفتم اصل وریشه‌این مصیبت شد. زیرا سبب اصلی آوارگی کشتارهای وحشیانهٔ یهوددردیر یاسین وناصرالدین وبیت دراس‌وریتون ...وتهدهاوارعاب های‌حمله‌ها وغارات وخرابکاری‌های آنان‌میباشد

البته این تجاوز نامردانهٔ یهود ، قبل ازآنکه ارتشهای عربـی

بکمك عرب فلسطین که با بیرون رفتن ناگهانی انگلستان و تسلیط عمدی یهودی های مسلح بسر عرب بی‌سلاح بی‌پناه، غافلگیر شده بودند، بر سند صورت گرفت

زیرا بریطانیا درموقعی فلسطین را تخلیه کرد که یکی ازسازمان های یهودی بنام هاجانا بیش از شصت هزار سربازمسلح وشقی وبیرحم ودشمن خون آشام عرب دراختیارداشت وانگلستان استعمار گرتاتوانسته بودعرب راخلع سلاح کرده بود، رفت وعرب بی سلاح را بلطف و کرم! صهیونیسم یغما گروا گذاشت

مورخ بین‌المللی پروفسور «ارنولد توینبی» درجلد هشتم کتاب (سیری درتاریخ) میگوید :

یکی از سخت‌ترین وهولناك‌ترین جنایات روزگار درتاریخ بشریت همین ظلم فجیعی است که یهودیان بسر عرب فلسطین آوردند ، یهودیانی که‌خود دیروزمزه تلخ ظلم وجنایت را بدست نازیان آلمان چشیده بودند وبایستی ازآن درس بگیرند ، خود شان بسی نا جوانمردانه‌تر، عرب فلسطین را مورد جنایت وستم قرار دادند .

عربهای زیر پرچم اسرائیل:

تازه اسرائیل بهمان جنایت تجاوز ازحدود مقرره سازمان ملل قناعت نکرده، بلکه عربهائی را که در داخل اسرائیل مانده‌اند بشدت مورد تجاوز و تعدی قرار داده است ؛ قرار تقسیم ساز مان ملل ، بـا اینکه خودحکمی بسیار ظالمانه‌است ، دربند دوم ازبخش دوم میگوید: «هیچیك ازطرفین راجع بـه اقلیت‌های زیرپرچم خود حق ندارند که

تبعیضی قائل‌شوند وبطورکلی بایستی تبعیضات نژادی،مذهبی وزبانی .. لغو گردد» .

ولی دولت غاصب متجاوز اسرائیل تبلیغات نژادی رادر منطقهٔ متصرفی‌خود بظالمانه ترین صورت عمل میکند ، وحتماً این حقیقت را منکراست و مدعی اجرای مساوات میباشد ولی من برای اینکه جلو این انکاررا بگیرم وچند جمله از یك جریده‌معتبرجهانی‌در این‌مورد میخوانم :

نیویورك‌تایمز که بهیچوجه‌نمیشود اورامخالف بااسرائیل‌دانست در شمارهٔ ۲۲ ایلول ۱۹٦۱ مینویسد : یکی‌از سخت ترین ناراحتیهای عرب داخل دولت‌اسرائیل اینست که‌آنان بایستی‌همیشه‌تحت حکومت نظامی وزیرنظارتش اسرائیل زندگی کنند .

یکصدوهشتاد هزار نفرعرب ، درتمام شئون‌زندگی همیشه‌باید قوانین سخت حکومت نظامی را که درعالم فقط برای مواقع استثنائی خطرناك اعمال میشود تحمل کنند ؛ درنقاط معین ومعلومی سکونت‌و کار ودراوقات وساعات معینی حق عبور ومرورداشته‌باشند»..

وهمین جریده درشمارهٔ ۲٦ایلول‌ازقول معاون شهرداری‌ناصریه نقل میکند که اسرائیل در خلال سیزده سال صدها هزار هکتـار از املاك واراضی عرب زیرپرچم خودرا مصادره کرده است»

در شکایتی که رؤسای عرب‌های داخل اسرائیل در ۱۰ تشرین دوم ۱۹٦۰ تسلیم سازمان ملل متحد کرده‌اند نوشته‌اند که : در آنجا تامین مالی وجانی ندارند یهودیان‌درملاءعام دست به مصادرهٔ اموال و املاك عرب میزنند زراعتهای آنان‌راادرومیکنند ، میوه‌های آنـان را

میچیند ، ازمزایای تعلیم‌وتربیت عمومی برخوردار نیستند وتبعیات نژادی بشدت آنانرا ناراحت‌دارد ، مقررات سخت وخشك حکومت نظامی عرب‌ازجرمیدهدواز نظراقتصاد سخت درمضیقه‌اند.....؟

رئیس آژانس دستگیری آوارگان که مامورخود شمااست ،در مقدمهٔ گزارشات خود میگوید : بیشترآوارگان در خلال سیزده سال ویلانی ضربه‌های سخت‌وسنگین روحی‌خورده‌اند یأس ونومیدی‌وتردید ودودلی وبیکاری‌دراز سراسرزندگی آنان مشهوداست ، امرار معاش ازمجرای صدقات سازمان ملل وصرف عمر بابیکاری وبطالت درافکار ونفوس آنان جراحت عمیقی‌ایجاد کردەوبه‌انسانیت آنان ضربه وارد آورده است .

ازچنین مردمی غیر ازاینکه فقط عاشق مراجعت بەوطن وپس گرفتن‌مایملك‌خودباشند چیزدیگری انتظار نباید داشت‌واگرگاهی گرفتاری ها وناراحتی‌های خود رابه مقامات مربوطه تذکر میدهند نباید خلاف‌انتظار ونامناسب‌حساب گردد ، اینها همان حقی را مطالبه میکنند که سازمان ملل از روز اول برای آنها شناخته ومخیر بین رجوع بەوطن ویا گرفتن‌قیمت‌املاکشان کرده‌است .

آقای‌رئیس‌بدانید ! بامسامحه ومماطله‌نمیشوداین فاجعەرابدست فراموشی‌سپرد ومشمول‌مرور زمان کرد،مرورزمان بابیش ازیکملیون آواره وویلان که روز بروز برشدت دردهای اجتماعی وفردیشان افزوده میشود چه میتواند بکند ؟

این برنامهٔ کمك ناچیز به‌آوارگان ، حل اساسی قضیه نیست این فقط کمکی است که میتواند جلو مرگ وتلف‌شدن‌آنان رابگیرد

راه‌حل :

واینك راه حل اساسی قضیه کاملا دردسترس سازمان ملل است ، اگر راستی میخواهید باین‌فاجعهٔ بشری خاتمه بدهید : اسرائیل را ملزم کنید که به‌قرار سازمان‌ملل‌عمل کند ،

قرار یازدهم ایلول سال ۱۹٤۸ در بارهٔ مراجعت آوارگان بــه فلسطین را که با آنهمه آب وتاب‌وغلظت وشدت صادر کرد وبا آن‌طنطنه وطنین‌بدنیااعلام کرد که‌دراجرای آن کوچکترین‌مسامحه امکان‌ندارد چنین قراری که بااینهمه تأکید باشد ، در تاریخ سازمان ملل پیدا نمیشود .

اسرائیلی که به‌پشتیبانی همین سازمان ملل وارد فلسطین شد ، باین قرار پشت پازد واصلابآن اعتنا نکرد ونمیکند وبا کمال‌پرروئی و جسارت میگوید:اجازهٔ ورود حتی یکنفر آواره را به اســرائیل نخواهد داد .

جالب اینست که در چنین وضعی که اسرائیل با کمال عناد و لجاجت وجسارت همهٔ مقدسات عالم راناديده میگیرد،حامیان‌اواصرار دارند که عرب بااسرائیل برای‌انعقادصلح‌نهائی‌وارد مذاکره‌شوند....

آقای‌رئیس‌محترم! چه‌صلحی؟ وباچه کسی‌صلح کنیم؟

سیاست مجامله‌ومسامحه :

درچنین موقعی که اسرائیل بدنیا اعلام کرده که خاك فلسطین مغصوبه استعداد پذیرفتن یکنفر آواره راهم ندارد ، بلندگوهای اسرائیل ، یهود عالم رابرای مهاجرت بفلسطین دعوت میکننــد وهمهٔ شماهم‌اطلاع دارید

شورای توفیق (کمیسیونی است که ازطرف سازمان ملل برای حل قضیه فلسطین تشکیل شده) بجای اینکه به مقتضی وظیفه ای که علی الظاهر باو محول شده است ، رسماً اعلام کند که در اثر نافرمانی و جسارت اسرائیل ، نمیتواند قرار سازمان را اجرا نماید وخود سازمان ملل بجای اینکه در این مورد تصمیم جدّی بگیرد وپشتکاررا کماهو حَقّه داشته باشد، با کمال تأسف می‌بینیم سیاست مجامله ومسامحهٔ بااسرائیل رادرپیش گرفته اند ومثل اینکه میخواهندبا همین سیاست فرستادن نماینده و بازرس و کارشناس و. . . (که ازحیله‌های شناخته شدهٔ استعمار برای سر گرم کردن و گول زدن ملتهااست) مارا مشغول کند وبخیال خود قضیه را با گذشت زمان وارد تاریخ گذشته‌های غیر قابل بر گشت نمایند .

اکنون سیزده سال است که جامعهٔ ملل با آن همه آب وتاب قرار بریده است ولی یك قدم درراه اجراو تحقق آن بر نداشته وهرروز آنرا تاکید وتثبیت میکند .

سوء نیت:

اجازه بدهید با کمال صراحت بگویم که شورای توفیق عملا نشان داده است که نمایندهٔ روح سازمان ملل نیست و نمیخواهد آن عدالتی را که سازمان ملل مدعی است ، اجرا کند .

این شورا ازافرادی تشکیل شده ودرموقع خاصی بوجود آمده ودرعمل طوری رفتار کرده که بطور کلی عرب معتقد شده اند که اصولا بمنظور تعقیب هدف‌های ظالمانه صهیونیسم و تحقق بخشیدن بارادهٔ استعمار خلق شده است وخلاصه، این دست استعمار بود که در ساحت

مقدس سازمان ملل‌دخالت کردوبنام آن سازمان شورائی بوجود آورد و بدنبال هدف استعماری خود فرستاد و میرود که این شورا آبروی سازمان مللرا ببرد .

برهمه روشن شده که قصد این شورا از این مسامحه و مماطله اینست که قضیه را مشمول مرور زمان کند ورفته رفته آوارگان را بطورکلی از مراجعت بوطن مأیوس نماید ، میخواهد آوارگان بهمین وضع موجودشان انس بگیرند ووطن خود را فراموش کنند

اما این‌شورای‌عامل استعمار بایداین آرزورابگور ببرد، زیرا هر چه‌بیشتر زمان‌جدائی ازوطن براین آوارگان بگذرد آتش‌عشق به‌وطن‌در آنهاتیزترمیگرددوحل قضیه‌را بنفع‌صهیونیسم غاصب‌سخت‌ترمیکنداین مستر دیفنر رئیس آژانس‌دستگیری است که‌پس‌ازسیزده سال مرور زمان میگوید : **مراجعت به فلسطین تنها امید وآرزوئی است که بر تمام آوارگان‌حکومت‌می کند ووجود آنهارا قبضه کرده‌است‌ودر باره‌سخت‌ترشدن مشکل حل‌قضیه‌وپیچیده‌ترشدن معمامی گوید، روز بروز این‌معما پیچیده تر می شود ومیرودکه غیرقابل حل گرددزیراسالانه‌سی‌هزارتاسی‌وپنج‌هزار بر تعداد آوارگان‌افزوده می شودوبهمین‌نسبت مشکلات مارا زیادتر می‌کند .**

خلاصه اگر سازمان ملل و دیگران بامید کهنه شدن قضیه نشسته‌اند این‌فکررا ازسر خود بیرون کنند وبفکر دیگری بیفتنداین مردم‌آواره هرروز آرزوی بر گشت بخانه ولانه خودو گرفتن باغات ومزارع‌ودکان‌هاو.. که وسیلهٔ‌عیاشی‌یهود ماده‌پرست‌شده ، در قلوبشان

رشد میکند و به قول کنت برنا دوت (که بدست یهودیان ترور شد) اینهم خیلی دوراز عدل وانصاف است که یهود از سراسر جهان به فلسطین دعوت شوند ! وصاحب خانه‌های گرسنه و بی خانمان شده ، پشت در خانه، حسرت بکشند واز همه چیز محروم باشند.

آقای رئیس ! شما برای خاطر اینکه در افریقای جنوبی برخلاف منشور سازمان ملل متحد تبعیضات نژادی جریان داشت ، قیامتی برپا کردید ویخه‌ها را پاره کردید ولی برای خاطر بیش از یك ملیون عرب که برخلاف تمام اصول عدالت وسراسر منشور سازمان ملل از خانه ولانه ودارو ندار خود اخراج شده‌اند وپشت مرزهای ساخته شده استعمار اسرائیل باحسرت به گذشتهٔ خود مینگرند وچشم به عدالتخانه سازمان ملل دوخته‌اند، چرا اینهمه مسامحه روا میدارید.؟!

شما که از نظر وظیفه کاملا روشن هستید ومیدانید جزای کسی که بادستور سازمان ملل مخالفت کند چیست؟ پس چرا برای مجازات اسرائیل وتحمیل قرار سازمان ملل بر او یك اقدام جدی نمیکنید واین متخلف را مجازات نمینمائید؟ وچرا بیش از این به شورای توفیق اجازه میدهید که آبروی سازمان ملل را در جهان ببرد؟ وچرا چنین شورائی را که خیانت او مسلم شده است منحل نمیکنید؟

راه تخفیف بحران:

گفتم که یهودیان طماع بهمان قرار ظالمانهٔ تقسیم هم قناعت نکردند ویا حمله وقتل وغارت قسمت زیادی از سهم ناچیز عرب را باز غصب کردند ونصف پناهندگان از همین تجاوزات بعد از قرار تقسیم آواره شده‌اند .

دربارهٔ اینها اصلا مسئله مخیر بودن میان برگشت به وطن ویا

گرفتن قیمت اموال مطرح نیست به‌مقتضی قرار سازمان‌ملل اینها بدون هیچ معطلی و بحث وفحص و بازرسی بایستی به‌وطن بر گردند و اسرائیل بطرف مرزهائی که سازمان‌ملل مقرر کرده بود عقب نشینی کند .

اگر سازمان ملل اسرائیل راوادار به‌عقب نشینی کند ، از این رهگذر قسمت عمدهٔ مشکل آوارگان حل میشود ، چون عدهٔ زیادی از آنان دراین قسمت میتوانند متوطن شوند، واگر راستی سازمان‌ملل بخواهد چنین کاری بکند ازدست او برمیآید زیرا همه دیدند درحملهٔ سه دولت انگلیس وفرانسه واسرائیل درسال ١٩٥٦ در نزاع کانال سوئز ، بمصر اسرائیل ازفرصت استفاده کرد وغزه‌وسینارا تصرف نمود وسازمان‌ملل جداً واردکار شد واورا ازسینا وغزه بیرون کرد .

پس اگر راستی سازمان ملل بخواهد درمورد آوارگان کاری انجام‌دهد برای اومقدور استکه اسرائیل را از مناطقی که پس ازقرار تقسیم تصرف کرده بیرون کند و مقدار زیادی‌از بحران آوارگان را تخفیف دهد زیرا دراینصورت عربهای آواره یافا اللّد،الرملة،الجلیل غربی و . . . بزندگی خودمیرسند وبارشان‌از دوش آژانس دستگیری برداشته‌میشود .

آقای رئیس این ماده هفدهم اعلامیه حقوق بشر است که بـا صراحت میگوید : هر کس آزادانه میتواند درملك خود تصرف کند وهیچ مقامی حق‌ندارد مانع بهره‌برداری اوبشود ویاملك او را بدون مُجوز قانونی بگیرد .

اگراملاك واموال عرب آواره فلسطین‌را زیرنظریك نفرعادل و درست کارازطرف‌جامعهٔ‌ملل‌ازقبیل مستر« دیفنر» بگذارند وفقط در

آمد آنها را صرف آوارگان کنند خیلی بهتر از این کمکهای سازمان ملل آنانرا اداره میکند ودیگر عیوب و نواقص صدقه خوردن را هم برای آوارگان ندارد و این بار سنگین از دوش سازمان ملل هم برداشته‌میشود.

گمان نمیکنم یك نفر بشر با اتصاف که ذره‌ای وجدان سلیم بشریت داشته باشد بااین فکر مخالفت کند، آنها که این فکررا منافی با گرفتن نتیجهٔ نهائی میدانندومیگویندا گر بهرهٔ املاك عرب‌را رسماً بخودشان بدهند حل نهائی بهعقب‌میافتد؛ بلندگوهای‌اسرائیل اند که‌میخواهندازاین مجری‌نانی برای اسرائیل بهپزندوضربه‌ای‌بر پیکرعرب وارد کنند

وظیفهٔ‌سازمان ملل

در شرائطی که اسرائیل‌بهبهانهٔ نداشتن ظرفیت‌پذیرش آوارگان از مراجعت آنان جلوگیری‌مینماید واز طرفی با کمال میل ازسیل یهود مهاجر دنیا استقبال میکند، سازمان ملل که خود شریك در خلق این موجود کثیف می باشد، موظف است، اورا ملزم کند که جلو مهاجران جدیدیهودرابگیرد تادیگر بیش‌ازاین‌جلوپای‌آوارگان مانع ایجادنگردد

ممکن‌است‌بعضی‌ازسفسطه کارها‌بگویند که‌جلوگیری‌ازمهاجرت یهود، بهسیادت واختیار وحق حکومت اسرائیل درمملکت خود، مخالف است، و نمی شود اختیارات او را تا این حد قیچی کرد، جواب این سفسطه‌این است که اصولا اسرائیل از روز اول وجود او منوط به قیود و شروطی بوده است که در طلیعهٔ آنها لزوم احترام

حقوق سکان عرب است وبدون ممنوع کردن مهاجرت حفظ حقوق آنان امکان ندارد

آقای رئیس! قبل از پایان کلام لازم می دانم باز تاکید کنم : دولت اردن و تمام عرب بهیچوجه اجازه نمیدهند که فکر تصفیه قضیه آوارگان فلسطین بدون مراجعت بوطن بخواهد اجراء شود واصولا نمتیوانیم اجازه بدهیم که مسئله از سطح مراجعت به وطن ، به سطح چند لقمه نان وچند خانه وچند قطعه لباس تنزل کند

وخلاصه، حل این مشکل باسیاست دفع الوقت بقصد مأیوس کردن آنان ممکن نیست انجام گیرد وتاروزیکه ریشهٔ قضیه نسوزد محال است که تصفیه‌ای انجام گیرد

یکبار دیگر از سازمان ملل متحد تقاضا میکنیم که درست قضیه را ارزیابی کند وسپس براساس فضیلت و حقیقت و انسانیت و عدالت که همیشه این سازمان مدعی آنست باین مشکله ومصیبت عظمای بشری خاتمه بدهد

۳

کنفرانس اسلامی مکه

چندسال است که در ایام حج ، در شهر مقدس مکه، باشرکت نمایندگان دول اسلامی کنفرانس بزرگی تشکیل میشود ، در این کنفرانس مسائل مهم ممالک اسلامی توسط نمایندگان آنها مطرح میشود و انصافاً در راه همکاری و اتحاد دول اسلامی قدم شایان توجهی است، در کنفرانس سال ۱۳۸۱ آقای اکرم زعیتر نمایندهٔ اردن هاشمی سخنرانی ذیل را در مورد حادثهٔ اسفبار فلسطین و قیام دولت غاصب اسرائیل ایراد کردند

السلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

من سلام بیت المقدس، قبلهٔ اولی مسلمین ، حرم شریف وبقـاع مقدسه آن سامان را به کعبهٔ‌مقدس؛ قبلهٔ دوم، این شهر وحی ونزول قرآن واماکن مقدسه‌ومدینهٔ منوره ابلاغ میکنم .

سلام‌شهدای مجاهد ومبارزی که در زیرخاکهای مقدس فلسطین آرمیده‌اندرا، بارواح‌پاك شهدای صدر اسلام‌دربلاد مقدس مکه ومدینه اهداء مینمایم .

من ازفلسطین عزیزستمدیده وتقسیم شده وغصب گردیده‌وشاهد ستمهای استعمار و صهیونیسم برای شما برادران‌مسلمان حامل سلام و تحیت امید و انتظارم ...

بمن پیشنهاد کردند که در این کنگره عظیم‌راجع‌به نهضتهای ممالك اسلامی درمقابل استعمار ومبارزات آزادی‌خواهی آنان‌صحبت کنم وازعظمت وعزت وشرافت مطلوب اسلام حرف‌بزنم .

ولی صحنه‌های مبارزات مسلمین امروز جهان بسیار زیاد استو دراین محفل کسانی هستند که درقسمتهای مربوط به‌خودشان بهتراز من میتوانند ازمبارزات پی‌گیرخود شان بحث کنند وحوادث خویش مبسوطاً بگویند .

یکی‌ازبرادران‌الجزائری ازمجاهدات‌الجزائر بگویدوبرادران پاکستانی‌هم‌شرح قضیه کشمیررا بیان‌فرمایندو نمایندهٔ محترم‌اندونزی حدیث‌مبارزات مردم‌رشید اندونزی‌را توضیح‌دهد واهالی‌حجازهم که‌ما مهمان‌آنهائیم بایستی ازحوادث جنوب عربستان‌صحبت‌نمایند ومن تنها به‌حادثه فلسطین عزیزمیپردازم .

حادثه اسلامی :

قبل از هر چیز متذکر میشوم که قضیهٔ فلسطین یك حادثهٔ اسلامی صرف است نه تنها ازاین جهت که دریك منطقهٔ اسلامی رخ داده است . بلکه از اینرو که جنگ و نزاع فلسطین درحقیقت مبارزهٔ با مقدسات و حیثیت اسلام است، اسلامی که متعلق بتمام کسانی است که تنها شهادتین را پذیرفته باشند ، این استعمار و صهیونیسم اند که در مقابل اسلام صف کشیده اند

قیام دولت پوشالی اسرائیل یکی از خطرناکترین بلاهائی است که دامنگیر اسلام شده، حملات وهجمات صلیبیون پی درپی ودورانهای طولانی؛ اسلام را هدف قرارداد واسپانیارا ازدست مسلمین ربود و اگر آن قیام جوانمردانهٔ مسلمین وآن دفاعهای بیدریغ نبود دین پیغمبر ﷺ ازشمال آفریقا بکلی رخت بربسته بود، اسلام مورد حمله است و درعین حال تنها همین اسلام است که میتواند درمقابل استعمار مقاومت کند وهمین حقیقت اسلام استکه اکنون شمال آفریقا را از حلقوم استعمارگران بیرون میکشد .

مارا ازبالکان بیرون کردند درقفقاز وترکستان ضربهٔ شدیدی به پیکر جامعهٔ مسلمین واردآمد واگرما درفلسطین در مقابل استعمار وصهیونیسم آماده نشویم تحقیقاً حملات خورد کنندهٔ صهیونیسم رابایستی تحمل نمائیم ودرپیشگاه خدا و تاریخ اسلام سنگین بار وپر مسئولیت خواهیم بود .

ای لعنت ونفرین وذلت برآنروزیکه یهود برخرابه‌های مسجد اقصی هیکل سلیمان را بنا کنند وراستی بزرگترین ننگ اسلام ومسلمین اینست که در قلب ممالك اسلامی ودر مقدس ترین بقاع متبرك خود

مورد حمله‌وشکست یهودیان‌پست وذلیل واقع شوند .

شرافت وحیثیت دین اسلام وجامعهٔ امروز وفردای مسلمین و وحدت‌واعتبار وآبروی‌مسلمین حاضر وآیندهٔ اسلام مرهون کوباندن اسرائیل ولااقل زنده وپرشور نگهداشتن فکر مبارزه ومخالفت با ـ صهیونیسم‌عمال استعمار است؛ فکری زنده وجاوید که‌باامید آن بمانیم ودرراه آن‌جان‌دهیم.

هر مسلمانی آواره است:

بن گوریون نخست وزیر فلسطین غصب شده میگوید : « تمام یهودعالم که بیرون ازفلسطین زندگی میکنند آواره وبی‌خانمان‌اند ودرهای فلسطین بروی‌مهاجران یهود بازاست وآژانس بین‌المللی‌یهود کاملا مجهز برای فرستادن یهود به فلسطین و تقویت بنیهٔ اسرائیل میباشد .

منهم دراین‌شورای‌عمومی‌اسلامی‌اعلام‌میکنم : «مادامیکه‌فلسطین عزیز مـا در تصرف صهیونیست های غارتگر است فرد فرد مسلمین جهان ازلحاظ شرافت و کرامت و عزت واز نظرروحیه وفکر، آواره وناپسامان‌اند .

در مقابل این غارت صهیونی تنها باید یك نهضت اسلامی‌عمومی ایجادشودتااین‌نهضت‌شوم استعماری‌راسر کوب کند .

بافداکاری‌های‌مسلمین‌صدراسلام ؛این‌منطقه‌بنوراسلام‌روشن گردید تا اینکه اروپائی های مسیحی‌باوضعی وحشیانه که‌حتماًحضرت مسیح ازآن رفتار بیزار بودند آن‌را غصب کردند ومدت دویست سال‌هم در میان بلاد اسلامی باجنگ و گریز ادامهٔ حیات دادند ولی سر انجام

خداوند مارا پیروز وآنهارا محکوم به شکست فرمود واین خود نمونه ایست که اگرمسلمین صفوف خودرا فشرده کنند اسرائیل درمقابل آنها تاب مقاومت نخواهدداشت.

برادران مسلمان! جای خوشبختی است که درحال حاضر مسلمین جهان حادثهٔ فلسطین را نه تنها یک مسئلهٔ اسلامی عمومی میدانند بلکه آنرا دررأس مسائل مشترک دینی خود قرار داده اند .

من فراموش نمیکنم آنروزی که مسئلهٔ تقسیم فلسطین درسازمان ملل متحدمطرح شدتمام دول اسلامی عضوسازمان، که آنروز عبارت از پاکستان وافغانستان وایران وترکیه وسعودی وسوریه ومصر وعراق و یمن ولبنان بودند، باتفاق کلمه باآن مخالفت کردند وصف واحدی تشکیل دادند .

آنروز نمایندهٔ پاکستان ازطرف تمام مسلمین جهان نسبت به تصمیم تقسیم فلسطین اعلان خطر کردوعواقب شوم آنرا گوشزد نمود ودرنتیجه «لوبز» نمایندهٔ کلمبیا دراین باره گفت :

« ما نباید ازواقع قضیه غفلت کنیم و مخالفت سیزده عضو سازمان مللرا که در بین آنها نمایندگان همه دولت های مسلمان و نمایندهٔ تمام مسلمین روی جهانند ، نادیده بگیریم ،اگرمسئلهٔ یهودیان یك مسئلهٔ مذهبی ونژادی است ، در مقابل آنها بیش از چهار صد میلیون مسلمان صف کشیده اند ، آنهم مردمی که فقط باعتراض کفایت نمیکنند وبلکه با سرسختی بجنگ قرار تقسیم میآیند ودرچنین وصفی قرار تقسیم فلسطین شانس درستی برای موفقیت نخواهد داشت»

این درك نماینده کلمبیا استوامیدوارم کهدراثر کنگره مقدس در این مکان شریف وسائل ایجاد وتحکیم فکر انقاذفلسطین دردلهای همه جوامع اسلامی نفوذ کند ،

جائیکه یکنفرراهب مسیحی موفق شد که از دریچهٔ احساسات مذهبی تمام اروپا را برای گرفتن قبرخیالی وموهوم حضرت‌مسیح ، بهیجان درآورد ، و جنگ‌های صلیبی را ایجاد نماید ،چراما نتوانیم ازاحساسات امت اسلام برای نجات فلسطین عزیز ، هما نجائیکه‌رسول خدا را درشب معجراج بخود جلب کرد، وصدها آثار مقدس مذهبی‌را درخود جای داده است ، از دست دشمنان سرسخت وپرقساوت رسول اکرم (یهود) بهره برداری نمائیم .

هدفهای‌صهیونیسم:

برادران‌مسلمان ! من ناچارم که سر گذشت فلسطین را در اینجا بطورخلاصه بگویم‌تاحضارمحترم‌به فکرچارهٔ اساسی بیفتند ونقشه های لازم را طرح نمایند ، فعلا مجال اینکه مبسوط تساریخ صهیونیسم و هدفهای خائنانهٔ متجاوزانهٔ آنانرا بگویم ندارم وفقط باید بهدف‌خطر ناك آنان از شبیخون زدن وغارت فلسطین اشاره کنم .

هدف نزدیك آنان ایجاد یك دولت یهودی درتمام نقطه‌ی میان **فرات ونیل** است ومنتظرفرصتی برای تجدید بنای هیکل سلیمان بر خرابه های مسجد اقصی میباشند .

نخست‌وزیر اسرائیل درنطق‌خودباصراحت گفت که:« **فلسطین بدون بیت المقدس برای‌ماارزشی‌ندارد و شهر بیت‌المقدس هم بدون هیکل‌سلیمان اعتباری نخواهد داشت** »

هدفها وهوسهای نهائی یهوداینست که بطور نامحدودازممالك عربی مجاور فلسطین وعموم ممالك اسلامی تاپتوانندغضب کنند وهوس تصرف اردن و عراق وسوریه ولبنان وحجاز را مکرر ابرازنموده اند .

وعده بالفور وتجزیهٔ امپراطوری اسلامی :

دراین یك مجلس نمی توانم پیرامون وعدهٔ بالفور که سرمنشأ همهٔ مصائب وبلاهای فلسطین است مشروحاً بحث نمایم و فقط اشاره میکنم که : بالفور وزیرامورخارجهٔ انگلستان درسال ۱۹۱۷ دراثناء جنگ دوم جهانی پس از آنکه انگلستان برای وارد کردن عرب درجبههٔ مخالف دولت عثمانی و ایجاد انقلاب عربی علیه دولت مرکزی اسلامی، بعرب وعدهٔ استقلال داده بود، طی نامه‌ای که به شخص «روچیلد» یهودی نوشت به او وعدهٔ ایجادوطن نژادی یهود در فلسطین را داد .

بازنمیخواهم که دراین مؤتمر شریف ازحادثهٔ اسف بار تقسیم و تجزیهٔ مملکت وسیع اسلامی بانقشه‌های استعماری ونحوهٔ تقسیم وقرار دادن فلسطین راتحت سرپرستی وقیمومت انگلستان بحث کنم و نمیخواهم دراینجا بگویم که چگونه استعمار گران با نفوذدرجامعهٔ ملل وعدهٔ بالفور را در قانون و آئین نامهٔ سرپرستی گنجاندند ؛ وچگونه انگلستان مسؤل تهیه زمینهٔ ایجادوطن نژادی یهود معرفی شد وچگونه برخلاف اراده ومیل صاحبان فلسطین، این سرپرست عادل! همه‌چیز آنهارا بغارت استعمار وصهیونیسم داد ...

مبارزات ملت فلسطین :

خـدا میداند که ملـت فلسطـین درطـول این مـدت ذره‌ای

کوتاهی نکردند؛ این ملت ضعیف بی سلاح درطول سی سال باقلدرترین ممالك آنروز جهان وخبیث ترین ملل روی زمین(صهیونیستهـا) دست وپنجه نرم میکردند...

نغمهٔ شوم تقسیم فلسطین که برای اولین بار توسط بازرسان دربار، انگلستان بعنوان تنها راه حل اعلان شدفلسطین رایکپارچه آتش کرد وانگلستان این بار با پنجاه هزار سربازو پلیس بجنگ ملت ازخود گذشتهٔ فلسطین آمد وهزارها افرادپاك وآزادهٔ فلسطین رابخون وآتش کشید وحتی طبق اعتراف وزیر مستعمرات انگلستان ۱٤۸ نفررا بجرم حمل اسلحه درزندان عکا تحویل چوبه‌داردادند ودرعین حال نتوانستند ملت راآرام وانقلاب را خاموش کنند.

هزارها شهید وزخمی وزندانی وتبعیدی دادیم ومیلیونها دینار خسارت بردیم خانه‌های ماراویران کردندمزارع ماراباآتش کشیدندوسر انجام کمیسیون فنی، تقسیم رادرشرائط موجود آن روزغیرعملی اعلان کرد وبه‌عرب وعده‌های امید بخشی بصورت کتاب سفیدداده‌شد.

این عقب نشینی انگلستان حیله‌ای بود که یکباردیگر عرب‌را بخواب کند.

بااین حیله انقلاب را آرام کردند واستعمارگران وصهیونیسم باتمام قوی مشغول مسلح کردن وتقویت نمودن بنیهٔ نظامی یهودیان در مقابل عرب شدند تا آنکه سازمان خطرناك یهودی «ها جانا» بـا شصت هزارافراد مسلح‌بصورت یك ارتش قوی‌خو نخوار بوجود آمد.

وقتیکه یهودرا آمادهٔ مقاومت درمقابل عرب کردند انگلستان شروع بشکستن‌وعده‌ها کرد واز طرفی کم کم پای آمریکاهم‌بصورت

علنی بنفع صهیونیسم بمیان کشیده شد ورسماً در قضیه‌ای که بهیچ‌عنوان بامریکا مربوط نبود مداخله کردو کمیسیون مشترك انگلیس‌وامریکا برای حل مشکل تشکیل دادند و رفته رفته انگلستان مکار قضیه را باختیار سازمان ملل سپرد .

ترومن رئیس‌جمهور وقت آمریکا بدون پرواومحافظه درسازمان ملل‌متحد مشغول باعمال نفوذ درجهت منافع صهیونیسم‌شد تمایندگان ملل پست وضعیف‌را باتهدید وتطمیع فریب‌داد وبازور وفشار ودوز و کلك،سازمان ملل‌را وادار کرد که تقسیم فلسطین را تصویب نماید وسر انجام‌سازمان ملل‌متحد قرار تقسیم را که تخم همهٔ مصائب وفلاکت‌ها است صادر کرد .

جالب ودرعین حال‌اسف‌بار اینست که استعمار سرخ وسیاه که‌در تمام‌مراحل باهم جنگ آشتی ناپذیرداشتند ، در مورد کوباندن ماو پایمال کردن حقوق ملت مظلوم فلسطین دست همکاری دادند وتفاهم برقرار نمودند .

این‌قرار ظالمانه ومتجاوزانه ازیك‌مقامی که بنام‌عدالت بوجود آمده‌بودصادر گردید پنجاه وشش‌درصد از اراضی فلسطین را بیهودیان که فقط مالك ٥/٦٠./. ازاراضی‌بودند و جمعیتشان هم کمتر از ثلث جمعیت فلسطین بودتقدیم کرد، ٤٤./. ازاراضی‌غیرمرغوبو کم‌درآمد رابرای عرب صاحبان‌ومالکان‌فلسطین باقی گذاشت.

طبعاً چنین عملی‌عرب‌را که ازطرف استعمار گران خلع صلاح هم‌شده بودند باازخود گذشتگی‌واردمعرکهٔ بایهودیان‌مسلح کرد ودر اثرفداکاری وتهور عرب،امریکا تظاهر بعقب نشینی کردوپیشنهادنمود

که فلسطین دربست تحت‌وصایت‌سازمان‌ملل درآید .

درهمین‌حال انگلستان‌شروع به‌تخلیهٔ‌فلسطین کرد، آنهم‌بصورتیکه دست یهود را همه جا باز وعرب را دست بسته وبی‌سلاح درزیرشمشیر خونبار یهود میگذاشت ازهرجا که میخواست قوای‌خودرابیرون ببرد ابتدا عرب را خلع صلاح‌میکرد واسلحه‌های‌خودرا درخفابیهودمیداد وناگهان‌میرفت، وبلافاصله‌حملات‌وحشیانه‌وحساب‌شدهٔ‌یهودبه‌عرب‌آغاز میشدوبدین‌ترتیب‌قسمت‌اعظم فلسطین‌راغاصبانه‌تصرف کردندوعرب‌های صاحب‌خانه‌را متواری‌وویلان و آواره نمودند .

سازمان ملل«کنت برنادوت» را برای رسیدگی بموضع‌فلسطین تعیین نمود، و اوهم پس ازمطالعات گزارشات وپیشنهاداتی تنظیم کرد وچون بعضی ازآنهابضرریهودبود ،یهوداوراترور کردند .

براساس نظرات او، سازمان‌ملل قراری راجع‌به‌فلسطین صادر کرد که بند یازدهم آن‌به آوارگان عرب حق میدهد که بموطن‌خود برگردند ومایملك‌خودرا تصرف کند ویاعوض اموال خودرابگیرند ویك کمیسیون‌بین‌المللی‌هم مرکب‌ازنمایندگان امریکافرانسه‌وترکیه برای اجرای‌این قرارتشکیل گردید.

باهمهٔ‌اصراری که‌سازمان‌ملل(در ظاهر) برای اجرای این‌قرار نشان‌میدهددولت‌غاصب‌اسرائیل این دست‌پرورده وناز پروردهٔ‌استعمار گران وخود سازمان ملل باکمال پرروئی وجسارت رسماً اعلان می کند که حتی بیکنفر آواره اجازهٔ مراجعت به وطن نخواهد داد .

کمیسیون توفیق هم روی نقشه معلومي در کار خود اهمال و

مسامحه ومماطله بخرج میدهد ، مسامحه میکند تاعرب آواره را از مراجعت بوطن ، مأیوس نماید ، وفکروطن را دراثرمرور زمان در مغز آنان خفه کند وباایجاد مشکلات وبزرگ نشان‌دادن آنهامراجعت بوطن‌رامحال‌معرفی‌نماید(چنین‌است‌وضع کارعدالتخانه!سازمان‌ملل.)

و ضمناً سازمان ملل دفتری هم برای کمك ودستگیری آوارگان وایجاد کاروو سائل‌زندگی‌موقت‌برای آنان‌تشکیل داده است؛ که فقط از مرگ بعضی از آنها جلوگیری میکند وبصورت زندگی قرون وسطائی آنانرا اداره مینماید .

ومن دراینجا بتمام دنیا اعلام میکنم که‌این کمك‌های سازمان ملل برای عرب آواره اصلا قانع کننده نیست زیرا قضیه آوارگان فلسطین باچند لقمه نان وچند قطعهٔ پارچه و چند خیمه و غار و چند ریال پول که از مجرای صدقات دول‌دیگر بدست میآیددرحالیکه‌دهها میلیارد ریال در آمد سالانهٔ املاك خود اینها و سیلهٔ عیاشی یهودیان غارتگر است، اصلاح نمیشود ،

قضیهٔ‌آوارگان مسئلهٔ‌شرافت وحیثیّت وسیادت و آقائی از دست رفته‌است، مسئلهٔ سیادت و حکومت برمنطقه ای است که قرنها پدران آنها با شرافت و عزت درآنجا ریاست و آقائی و زندگی داشته‌اند، مسئلهٔ علاقه وعشق بوطن وخانمان است .

بزرگترین و ظیفهٔ دنیای اسلام و عرب اینست که‌آوارگان‌را تأیید وتقویت کنند و آنهارا از چند شاهی نا قابل که از امریکا و انگلستان... دریافت‌مینمایند ، مستغنی نمایند ، آنها را آماده کنند تا آنجا که بتوانند بوطن‌خویش برگردند ودشمن خود را بیرون‌نمایند

وزندگی شرافتمندانه رااز سر بگیرند .

درآمد سالانهٔ املاك این آوارگان طبق آمار رسمی ده بلیون ریال است ، نمایندگان عرب درسازمان ملل ، پیشنهاد کردند که از طرف سازمان یك نفرقیم معلوم شود ودرداخل اسرائیل به این املاك و اموال رسیدگی کند ، و لی دست استعمار که هنوزهم در ساحت شریف سازمان ملل نفوذ دارد نمیگذارداین لایحه با اینکه اکثریت آراء را هم دارد ، تصویب گردد (چون نصاب دو ثلث آراء لازم است) .

موقعیت سیاسی درسازمان ملل :

دردورهٔ گذشتهٔ سازمان ملل ، ناگهان مواجه بالایحه‌ای شدیم که:میگفت عرب واسرائیل مستقیماً برای حل اختلافات خود بایستی وارد مذاکره شوند ،و معنای این پیشنهاد اینست که:ما دولت اسرائیل رابرسمیت بشناسیم وبه صلاحیت اوبرای مذاکرات اعتراف نمائیم.

متأسفانه چنددولت آفریقائی هم با این لایحه موافق بودندواین میرساند که اسرائیل نفوذ خودرا به قارهٔ آفریقا کشانده ودر آن دول ضعیف نفوذ کرده است .

بعداً ما این دول آفریقا را که در راه آزاد شدنشان کمکهای زیادی بآنان کرده بودیم موردعتاب قرار دادیم که چرا بدون مشاورهٔ باما وجلب موافقت ما که در مراحل مبارزات شما برای کسب آزادی بشما کمك داده‌ایم بچنین کاری اقدام کرده‌اید ومخالفتهای اسرائیل را بـا قرارات ساز مان ملل در مورد مراجعت آوار گـان ندیده گرفته‌اید ..

گرچه این لایحه درموقع رأی گیری شکست خورد ولی تحقیقاً اسرائیل بهمین زودی تجدید نفس میکند وازنو نغمه‌را ساز خواهد کرد وخلاصه‌این خطردائماً دامن گیرما است ، وامیدواریم که دول آفریقا ازاین‌به‌بعد مواظب باشند که بضرر ماااقدامی نکنند .

پاکستان وافغانستان واندونزی در سازمان ملل پیشنهاد کردند که کمیسیون توفیق که مأمور اجرای قرار ساز مـان ملل در مورد آوارگان‌است‌تبدیل به کمیسیون‌دیگری‌شودو کمیسیون‌جدید ، حفظ وحراست املاك آوارگان راهم متعهد گردد ولی چون این پیشنهاد در مجمع عمومی حـائز دو ثلث آراء نشد ، تصویب نگردید گر چه اکثریت آراء راداشت .

تقویم اموال آوارگان:

بنـا به پیشنهاد نمایندهٔ امریکا در کمیسیون توفیق ، از مجمع عمومی سازمان ملل تقاضا شد که قیمت اموال آوارگان فلسطین آن روزیکه دوران قیمومت انگلستان‌بپایان رسیده معلوم‌شود .

منظور ازاین پیشنهاد این بود که مقدمات پرداخت قیمت‌اموال عرب که یهود از کمك های بی دریغ آمریکا میپردازد تهیه شود و کم کم آوارگان‌راازمراجعت بوطن مأیوس کنند.

این بزرگترین خطری است که ما را تهدید میکند وبـایستی کاملا بیدار باشیم حادثه فلسطین وآوارگان همچنین معلق وبی‌سامان بماند خیلی بهترازاین است که باچند شاهی پول حل گردد زیراوطن رانمیشود بامال وپول عوض کرد و آوارگان فقط وطن میخواهند نه پول ومال .

و من برای مساعدت به قضیه فلسطین پیشنهاداتی دارم که آنها را به کمیسیون پیشنهادات مؤتمر تقدیم میکنم که او آنها را به جلسات مؤتمر عرضه بدارد .

برادران مسلمان:

برادران مسلمانیکه از اطراف عالم برای خدا در این مکان مقدس اجتماع کرده اید بیائید با پیغمبر خدا ﷺ در راه حفظ و حمایت اسلام ومسلمین تجدید بیعت کنیم و همگی بگوئیم :

نَحْنُ الَّذِینَ بَایَعُوا مُحَمَّداً عَلَى الْجِهَادِ مَا بَقِینَا أَبَداً (۱)

شمای مسلمانان جهان، شمای برادران پاکستانی، سنگالی، فیلیپینی ونیجریه‌ای ، ایرانی، ترکیه‌ای، سیلانی؛ ملایوئی، سنگاپوری، چینی افغانی ، سیرالیونی؛ مسلمانان اندونزی وسومالی و.. همدوش برادران عرب بایستی از مسجداقصی ومقدسات فلسطین دفاع نمائید .

بیست وهفت سال قبل اعلیحضرت ملك سعود که آنروز ولیعهد حجاز بود بفلسطین آمد شاعر شهید ما در مقابل او این شعر را خواند .

المسجدُ الأقصىٰ أجِئتَ تزورُهُ أم جِئتَ مِن قبلِ الضَّیاعِ تُودِّعُ (۲)

اشك درچشمان ملك سعود حلقه زد و من وقتیکه تأثر ایشان را دیدم گفتم :

این اشکها عهدی است که ولیعهد امروز وشاه فردا می‌بندد که از

---

(۱) ما مردمی هستیم که باپیغمبرخدابیعت کرده‌ایم که تا آخرین قطره خون و آخرین رمق حیات درراه تعقیب هدف مقدس او مجاهده نمائیم .

(۲) آیا آمده‌ای مسجداقصی رازیارت کنی ،یامیخواهی قبل از آنکه یهودیان آنرا غصب کنند، باآن وداع نمائی

فلسطین عزیز دفاع کند وشاید همین مؤتمر شریف را که ایشان درمکه منعقد کرده اند، وفای آن عهد باشد.

امیدوارم که نتیجه‌ی این کنگرهٔ اسلامی این باشد که دلهای مسلمین بهم نزدیك شود ودرراه دفاع از اسلام و مسلمین دست همکاری بدهند وازتمام امکانات عظیم خودبرای پیشبرداسلام و کوباندن دشمنان آن استفاده نمایند.

با کمال جرأت میگویم: روزی که مسلمانان جهان بفهمند که قضیهٔ فلسطین مخصوص مردم فلسطین یاعرب نیست بلکه به‌شرافت وحیثیت وموجودیت تمام مسلمین بستگی دارد، آن روزروزرفت و نابودی اسرائیل وزوال ستارهٔ شوم صهیونیسم است.

وبئس المصیر وبئس القرار

۴

تجاوز
خطرناک صهیونیسم

اطلاعیه مطبوعاتی ۲۰ بهمن ۱۳٤۲

تغییر مسیر رود اردن
یا
تجاوز خطرناک صهیونیسم

شامل :

- مقدمه
- آمار جغرافیائی
- نقشه‌های صهیونیها
- طرح جانستن
- اعتراضات و ایرادات اعراب به‌طرح جانستن.
- جهات حقوقی
- مساعی عرب در راه جلوگیری از تجاوز
- نتیجه
- بیانیهٔ شورای سلاطین ورؤسا، کشورهای عضو اتحادیه عرب

مقدمة :

فاجعهٔ فلسطین همچنان ادامه دارد . آوارگان عرب فلسطین اینک شانزده همین زمستان را در لباسهای ژنده وچادر های فرسوده خویش گذرانده و ناظر بازی مسخره‌ای بنام مرز بوده وشاهد اشغال خاک میهن عزیزشان ازطرف بیگانگان میباشند.

مفاد قطعنامه‌های سازمان ملل متحد تاکنون اجرا نگردیده و آوارگان عرب پیوسته در انتظار روزی هستند که بمام‌میهن خود باز گردانده شوند وخسارات آنان جبران گردد .

ازطرف‌دیگر تبلیغات صهیونیها باحدت‌وشدت هرچه‌تمامتر، سعی دارد که جهانیان قضیهٔ آوارگان را فراموش کنند ، نام‌فلسطین‌را از صفحات تاریخ وجغرافیا بزدایند و بالاخره برروی جنایات و فجایعی که‌ازطرف‌اسرائیل دراین‌سرزمین‌مقدس انجام‌شده‌سرپوشی‌بگذارند .

برای انجام این‌منظور صهیونیها بوسائل‌مختلف متشبث‌وراههای گوناگونیرا پیموده‌اند که‌یکی از آخرین آنها پیش کشیدن قضیهٔ مسخرهٔ **پروژه عمران** است وهدف صهیونیها ازپروژهٔ عمران دوچیز بیش نیست .

یکی‌اغفال جهانیان‌ازاین‌طریق که بعنوان دروغین انجام‌پروژه های مترقی آبادانی ، اصل قضیهٔ فلسطین وآوارگانرا ازیاد ببرند و دیگر آنکه تحت عنوان عمران وآبادی اراضی‌وسیعتر، آبهای بیشتر وثروت‌عظیمتری‌راغصب‌نمایند .

فصل جدید نقشهٔ اغفال‌صهیونیها تغییر مسیر آب رودخانه‌های کشورهای‌عربی‌ومخصوصاًرودخانهٔ **اردن** بنفع‌خویش‌است .

آنها تصور مینمایند که جهانیان در برابر تجاوز جدید آنها تحت عنوان مسخره وافسانه‌ی عمران وآبادی بهمانگونه که درسال ۱۹٤۸ که اسرائیل خاك کشور فلسطین عربی را غصب نمود ، سکوت کردند،این‌بارهم چشم پوشی کرده‌وسکوت‌خواهدنمود.

هدف این طرح و نقشهٔ جدید صهیونیها اینستکه مسیر رودخانهٔ

اردن‌را که درخاك کشور های سوریه و لبنان جاریست بمنطقهٔنقب در جنوب فلسطین ؛ تغییر دهند ودر نتیجه مقدمات انتقال تعدادبیشتری از مهاجرین یهودرا (درحدود دو میلیون نفر) بسر زمین مقدس فلسطین فراهم نمایند ورؤیای‌شیرین‌صهیونیهارا در مورد توسعهٔ بیشتر و غصب اراضی وسیعتری درسرزمینهای‌عرب‌فراهم نمایند .

صهیونیها بخوبی واقفند که موضوع آب در این‌منطقه از جهان یعنی منطقه‌ای که‌برای‌اجرای‌نقشه‌های تجاوزکارانهٔخود انتخاب‌نموده اند؛ مهمترین‌عامل‌حیاتیست .

روی این اصل پیوسته از اسرائیلی دم‌میزنند که از رود نیل‌تا رودفرات واحیانا مناطق فراتر ازآن‌رادربرداشته باشد ودرباب ایـن مقوله ازرودخانه‌ها نیز نام میبرند

مهم اینکه از آغازنهضت صهیونیها درسال ۱۸۸۲تاکنون‌موضوع استثمار رودخانه‌هادرسرزمینهای عربی فلسطین پیوسته در نقشه هـای مختلف صهیونیها یادشده است.

بیشتر این‌طرحها ونقشه‌هابرمبنای‌تغییرمسیر رودخانه‌های‌عربی در سرزمینهای عربی، به صحرای نقب میباشد

در سال ۱۹۵۵ بن گوریون اظهار داشت. **«کشور اسرائیل‌در مورد آب رودخانه ها با اعراب در حالت جنك بسر می برد و چنانچه‌در‌این‌جبهه‌شکست‌بخورد‌تمامیت‌وموجودیت‌آن‌بمخاطره خواهد افتاد»**

بنابر این جا دارد این موضوع را باختصار از نظر سوابق‌آن بطور واقع بینانه ویا در نظر گرفتن حوادث جاری واهمیتی که‌به‌آن داده میشود موردمطالعه قراردهیم .

آمار جغرافیائی

طول رودخانهٔ اردن ۱۵٦ میل (حدود ۳۰۰ کیلومتر)است و پیش‌از آنکه‌به‌دریاچهٔ طبریه بریزد، سه‌رود کوچك دیگر بنام **بانیاس حسبانی‌ودان** در آن میریزند

درجسر المقامه درمرز مشترك سوریه‌واردن واسرائیل‌رودخانهٔ اردن وارد منطقه کوچکی بنام مثلث یرموك می گردد و در اینجاست که مرزی راکه اردن را از منطقهٔ اشغالی فلسطین از طرف اسرائیل، تا جنوب بیسان در منتهی الیه خط آتش بس امتداد دارد جدا می کند تشکیل میدهد

از این نقطه ببعد ، بار دیگر رودخانهٔ مزبور کلا در خاکهای عربی جاری میگردد ودو شعبه کوچکی که در آن‌میریز ند عبارتند از **یرموك وزرقا**،مجموع مقدار آبی که در این رود خانه در سال جاری میگردد ۱/۸۸۰ میلیون متر مکعب استکه ۷۷٪ آن‌از کشور های‌لبنان وسوریه واردن سرچشمه میگیرد.

شیب زیاد این رودخانه از جهت تولید نیروی برق و آبیاری دره‌های واقع‌در دوطرف‌رودبسیارمفید است

تردیدی‌نیست که‌هر گونه طرح ونقشهٔ منطقه‌ای ،برای استفاده از آب رودخانهٔ اردن وشعبات آن بایستی تأمین منافع عادلانهٔ کلیه ذینفعان رادربرداشته‌باشد، درصورتیکه‌اسرائیل‌سعی کرده استیکطرفه وبنفع‌انحصاری‌خود، مسیر این رودخانه‌را تغییردهد وازاینطریق‌حقوق کشورهای عربی‌راغصب وبه‌آنها تجاوز نماید.

نقشه‌های صهیونیها ..

از آغاز دوران قیمومت و اجرای مراسم تقسیم، صهیونیها برای استفادهٔ انحصاری از آب رود خانهٔ اردن برای اینکه سر زمین های بیشتری را زیر کشت آورده وزمینهٔ مهاجرت عدهٔ زیاد تری از یهودیان را به کشور اسرائیل فراهم نمایند، نقشه وطرحهای مختلفی راپی ریزی نموده‌اند

در دوران قیمومت، تحت فشار عظیم صهیونیها، کمسیون مشترك نقشه‌برداری فلسطین؛ ازطرف آژانس یهود، جهت نقشه‌برداری ازفلسطین استخدام گردید

موضوع آب، مهمترین مسئله ای بود که فکر و ذکر رهبران و زعماء صهیونیها را اشغال میکرد ولذا باعجله نقشه هائی جهت غصب آب رودخانهٔ اردن طرح کردند

درسال ۱۹۳۹ بنا بدعوت آژانس یهود دکتر لرد میلك گزارشی درمورد آبیاری صحرای نقب تهیه نمود

طرح مشارالیه درسال ۱۹٤٤ چاپ ومنتشر گردید وهدف طرح مزبور تهیه امکانات لازم برای اسکان چهار میلیون مهاجر یهودی دیگر، در سرزمین مقدس فلسطین بود.

همچنین برای ادامه وتوسعهٔ صنایع معدنی **بحرمیت** پیشنهاد نمود که درنزدیکی حیفا کانالی ازدریای مدیترانه به بحرمیت حفر گردد که باصطلاح طرح علی البدل تغییر مسیر رودخانه اردن باشد

این طرح به‌بهترین وجهی تجاوز صهیونیها را به آبهای عربی و همچنین استفادهٔ انحصاری ازرود خانه‌های بین المللی برای تأمین منافع اختصاصی جلوه گرمیسازد.

یکی ازهدفهای برنامه هفت ساله(۱۹۵۲) اسرائیل تأمین‌مقدار ۵٤۰ میلیون مترمکعب آب‌ازرودخانه اردن‌بود که باین نحومی‌بایستی انجام گردد

کشیدن آب دریاچهٔ **حله** (۱۲۰ میلیون مترمکعب) تغییرمسیر رود اردن درمحلی بنام **جسر بنات یعقوب** درمنطقهٔ خلع سلاح شده (۳٤۰ میلیون مترمکعب) وتغییر مسیر آبهای جاری ازدریاچهٔ **طبریه** ازطریق کانال بسان قنوات (۸۰ میلیون مترمکعب)

مقدار آبی که باینطریق‌جریان پیدامیکند ، آبشاری‌رادرکنار دریاچهٔطبریه تحت کنترل صهیونیها بوجودمی‌آورد که می‌تواندنیروی برق عظیمی ایجاد کند وازطرفی آب مزبور ؛ بیشتر بوسیلهٔ کانال بسمت مغرب به مخزن بزرگ **البتاوف** هدایت میگردد ، وبوسیلهٔ تلمبه‌هائی کهازنیروی‌برق‌بدست آمده‌توسط لوله‌های بزرگ سیمانی بطرف جنوب به**فلوجه**واز آنجا بصحرای نقب‌هدایت گردد

برنامهٔ دهسالهٔ اسرائیل همان برنامهٔ هفت ساله است ، با این تفاوت که افزایش ۱٦۰ میلیون متر مکعب آب ،در آن‌منظور گردیده است که در نتیجه تغییر مسیررود اردن درنقطهٔ جسر بنات یعقوب از طریق منطقهٔ خلع سلاح شده ؛ انجام واستفاده ازدریاچهٔ طبریه بجای مخزن البتاوف برای ذخیره کردن آبهای حاصله قید شده، باین ترتیب درنتیجهٔ اجرای برنامه دهساله‌اسرائیل ، مقدار ۷۰۰میلیون‌متر مکعب ازآب رودخانهٔ اردن رابطرف خاک خود منحرف‌خواهدنمود.

درمقابل‌پیشنهاداتی که ازطرف کمیسیون اعزامی جانستن‌بعمل آمد (که مابعداً آنرا مورد بحث قرار خواهیم‌داد)اسرائیلیها درسال

۱۹۵٤(برنامهٔ هفت سالهٔ خودراتعدیل و نام آنرا بهبرنامه کشت پنبه) تغییر دادند

نتیجه وحاصل تعدیل مزبور این بود که مسیرتمام آبهای‌قسمت بالای رودادرن وهمچنین ٤۰۰ میلیون مترمکعب ازرودخانهٔ لیتانی‌را به‌صحرای نقب تغییردادند واین مقداراضافه بر ۱۰۰ میلیون مترمکعب آبی بود که ازرود یرموك میبردند .

با اجرای این نقشه‌ها ،اسرائیل در سال ۱۹۵٦ نخستین مرحلهٔ پروژهٔ خود را باکشیدن آب دریاچهٔ حله و هدایت آب آن بوسیلهٔ کانالی بقطر ۸۰ سانتیمتر ،تکمیل نمود وباینطریق مقدار ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب‌برای خودذخیره ومحفوظ داشت .

برای‌تسریع کار؛یك کارخانهٔلوله‌سازی درماگدل‌ایجاد کردند ویك‌تلمبه خانه درجنوب دریاچهٔ طبریه احداث وباسرعت هرچه تمام‌تر آب رابوسیلهٔ تلمبه‌های قوی بدرۀاوردن در جنوب فلسطین سرا زیر کردند .

نظر باینکه شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۳ از اقدام‌اسرائیل بتغییرمسیر رود اردن درناحیهٔجسر بنات‌یعقوب ازطریق منطقهٔخلع سلاح‌شده جلو گیری کرد،اسرائیل قصددارد بطریق‌دیگری این تغییر مسیر را باکنار گذاردن ناحیهٔ مزبور عملی‌نماید .

باین نحو که ازنقطه‌ای در گوشهٔ شمال غربی دریاچهٔ طبریه‌آب رابوسیلهٔ تلمبه واستفادهٔ از کانال به مخزن البتاوف بفرستند واز آنجا بوسیلهٔلوله‌بصحرای‌نقب‌هدایت کنند وهم‌اکنون اسرائیل کارساختمان کانال را از دریاچهٔ طبریه بمخزن البتاوف وهمچنین ساختمــان خود

مخزن وقسمتی از لوله کشی راتا جلگهٔ نقب بپایان رسانیده است

در مرحلهٔ اول : قرار بود در سال ۱۹٦٤ مقداری معادل ۱۸۰ میلیون مترمکعب آب بصحرای نقب برسد ، ولی اسرائیل با افزایش حجم کار وفعالیت خود مدت آنرا یکسال کوتاهتر کرد وقسمت مرحلهٔ اول برنامه رادر سال ۱۹٦۳ بپایان رسانید .

بموجب پیش بینی هائیکه بعمل آمده، قرار است با کشیدن لوله (۱۰۸) اینچی تا صحرای نقب واضافه نمودن دو خط لوله کشی (۷۰) اینچی برای تقسیم آب وساختمان مخازن وتلمبه خانه های دیگر ، تمام پروژه، تاسال ۱۹٦۸ تکمیل گردد .

طرح جانستن :

بموجب طرح جانستن از آبریزاردن معادل ۱۳۰۵ میلیون متر مکعب آب بدست میآید که این مقدار آب مساحتی رامعادل ۳۳٤/۰۰۰ جریب زمین ، آبیاری مینماید و از مجموع این مساحت ۲۰۰/۰۰۰ جریب در خاك اسرائیل قرار داد ونیز تهیهٔ مقدار ۲۱۰ میلیون کیلو ـ وات نیروی برق؛ ده، تاپانزده سال طول میکشد .

هزینه انجام این طرح بطوریکه حساب شده ۱۲۱ میلیون دولار میشود که مبلغ ۸۸ میلیون آن صرف پروژهٔ آبیاری و۳۳ میلیون صرف پروژهٔ تهیه نیروی برق میگردد .

پروژهٔ مزبورشامل مواردی باینشرح میباشد : ساختمان کانال اصلی ازرودهای بانیاس ؛دان، تل القادی وحسبانی بمنظور بر گرداندن سر آب رودخانه اردن تا نزدیکیهای لبنان که باینطریق ۲۸٤ میلیون متر مکعب آب ازاین رودخانه سهم اسرائیل گردد .

ساختمان سد، بر روی رود حسبانی، ساختمان کانال تا (تل الحار) برای استفاده کارخانه تولید برق؛ کشیدن آب مردابهای حله، ایجاد دو کانال از جنوب دریاچه طبریه تا حدود بحرمیت بمنظور آبیاری درهٔ اردن، دراسرائیل واردن؛ ذخیره کردن آب رود یرموك دردریاچه طبریه که تحت کنترل اسرائیل است وبالاخره احداث سدبرای تولید نیروی برق در **ماکارین** وهمچنین ساختمان یك کانال آب درجنوب رود یرموك ازما کارین تاقادسیه

بطوریکه ملاحظه میشود این طرح موسوم بطرح جانستن یك توطئه دیگر بین المللی است که تحت فشار صهیونیها برای شروع جلوه دادن نقشه‌های تجاوز کارانه اسرائیل درسرزمینهای عربی تنظیم وتهیه شده است .

اعتراضات وایرادات عرب بهطرح جانستن:

کشورهای عربی بنکات مشروحه زیراین طرح، ایراد واعتراض نمودند :

۱- ذخیره کردن آب رود یرموك که متعلق به عرب است ، در دریاچه طبریه که تحت کنترل صهیونیها میباشد .

۲- اجرای این پروژه تحت نظرمقامات بین المللی که بعلت نفوذ فوق العادهٔ صهیونیها درمراجع بین المللی ، این اقدام را بسیارخطرناك خواهد نمود .

۳ ــ آسیب به کشاورزی کشور اردن، بعلت شوری آب دریاچه طبریه که از آب رود یرموك شورتر است وهمچنین ایراد بایتعمل ازنظر اینکه در دریاچه طبریه میزان تبخیر آب بیشتراست .

۴ـ آسیب به اماکن وبقاع مقدسهٔ اطراف دریاچهٔ طبریه، بعلت بالاآمدن سطح آب دریاچه .

۵ـ مانع شدن از اینکه ارتفاع سدماکارین از ۵۸ متر بلند تر باشد ، تا اینکه بتواند فقط ۷۳ میلیون متر مکعب آب برای مصرف عرب ذخیره کند ، وبقیه به دریـاچه طبریه برای مصرف صهیونیها سوازیر گردد .

۶ـ احداث کار خانهٔ برق حسبانی در **تل الحار** که درناحیهٔ اشغالی اسرائیل است وازاینراه کشورلبنان ازبهره‌مند شدن‌ازنیروی آن محروم‌می گردد .

۷ـ تعویق ایجاد کار خانه برق قادسیه در اردن که مفهومش اینسکه عرب نخواهند توانست حتی از آن مقدار جزئی آبی که برای آنهاباقی خواهدماند ومیبایستی ازمخزن‌ماکارین‌دراردن بدست بیایداستفاده نمایند.

۸ـ محدود کردن امکانات آبیاری درسوریه‌به ۳۰/۰۰۰جریب وباینطریق سوریه ازحق خویش‌درمورد استفادهٔ ازآبهای‌رودخانه‌های عربی بانیاس ـ دان ـ تل القادی‌ویرموك محروم‌می گردد.

۹ـ ازحیز استفاده افتادن رودحسبانی برای لبنان ؛ با اینکه از خاك لبنان میگذرد زیرا بموجب این پروژه،میبایستی سدی بر روی این رودخانه‌بسته‌شود تاآب‌آنرافقط برای‌مصرف کشوراسرائیل ذخیره‌نماید .

جهات‌حقوقی:

نقشهٔ جدید تجاوز کارانهٔصهیونیها در مورد تغییر مسیر رودخانهٔ

اردن مفاهیم زیر را در بردارد .

۱ـ صهیونیها از آب رودخانه های متعلق بهعرب برای اجرای پروژه‌های خودوعمران و آبادی صحرای نقب استفاده خواهند کرد تا بتوانند وسائل مهاجرت حدود دوالی سه میلیون مهاجریهودی‌دیگر رابااین‌منطقه‌فراهم نمایند .

بااین‌عمل بنیهٔاقتصادی ونظامی اسرائیل افزایش خواهدیافت و اجرای نقشه های تجاوز آمیز وتوسعه طلبانه و غاصبانهٔ بعدی آنها تسهیل‌خواهد گردید .

۲ـ صهیونیها اقدامات عادلانه ودفاعی عرب‌را درمورد محاصرهٔ اقتصادی اسرائیل بـا شکست روبرو خواهند ساخت ؛ باینطریق ببهانهٔ عمران و آبادی‌درنهایت‌سهولت در این مبارزه‌فاتح‌خواهندآمد .

۳ ـ این نقشه‌های صهیونیها بطور غیر مستقیم منجر بهمکاری اقتصادی میان‌عرب‌واسرائیل‌خواهد گشت ودرنتیجه ، بقضیهٔ فلسطین‌و حقوق آواره گان‌فلسطینی که‌بطورموقت‌زادوبوم آنها بتصرف‌صهیونیهای مهاجم درآمده وهمچنان چشم بعدالتخواهی بین المللی دوخته اند و انتظارمیکشند بااجرای قطعنامه‌های‌سازمان ملل متحد (که اینک‌از طرف اسرائیل نقض گردیده) زاد وبوم آنان‌به‌آنها باز گردانده‌شود، لطمه‌شدید وارد می آورد

باین ترتیب اسرائیل خواهد توانست مجوزی برای‌موجودیت غیر قانونی خویش بیابد و بار دیگر امید عرب و حقوق مردم‌فلسطین را در باز گشت به سر زمین های مغصوبهٔ خود بیأس مبدل خواهـد ساخت .

۴ـ هر گونه اقدامی که عرب در مورد رودخانه اردن بعمل آورند ، در حیطهٔ حقوق اختصاصی آنهاست . زیرا این رودخانه یك رودخانه ایست که کاملا تعلق بعرب دارد و هر گونه تصمیمی در بارهٔ آن ، در حدود صلاحیت عرب و با موافقت اهالی واقعی فلسطین است .

بنابر این، اسرائیل بهیچوجه حق ندارد مسیر رودخانه اردن را تغییر دهد

در اینجا بیمورد نیست مراتب زیر را از (اوپن‌هایم) که یکی ازحقوقدانان بنام بین المللی استدرج نمائیم:

«تغییر مسیر آب های رودخانه‌های بین‌المللی،درصلاحیت یك‌جانبهٔ هیچیك از کشورهای مشرف بر سواحل آنها نمیباشد زیرا این یکی از قوانین بین‌المللی است که هیچ کشوری مجاز نیست اوضاع طبیعی خاك کشورخودرابزیان اوضاع طبیعی خاك کشورهمسایه تغییر دهد

بنابراین تغییرمسیر آب رودخانه اردن که اسرائیل قصددارد آنرا بنفع خود و بدون جلب رضایت و موافقت کشورهای عربی مشرف بر سواحل آن و همچنین بدون توجه ورعایت منافع اقتصادی عرب و حقوق مسلم آنها در آبهای خویش دارد جز نقض قوانین بین المللی وتجاوز شدیدبه‌حقوق عرب‌نمیباشد وعاملی استکه صلح و آرامش منطقهٔ خاورمیانه‌را تهدید مینماید

از این گذشته:اسرائیل یك کشور قانونی نیست و فقط بعنوان **«دوفاکتو»** کنترل منطقه ایرا در فلسطین عربی ، با کمك توطئهٔ

بین‌المللی صهیونیزم و قوای امریکائی بعهده گرفته است بعرب [illegible] موجودیت قانونی این‌هسته ایکه بازور بوجود آمده معترف نیستند.

۵ـ همچنین نباید فراموش نمائیم که اسرائیل سرزمینهائی برابر ۳۵٪ بیش از آنچه مطابق نقشهٔ تقسیم سال ۱۹٤۷ که ازطرف سازمان ملل متحد باو واگذار شده‌وبا اکثریت فقط یك رأی بتصویب‌رسید، در تصرف خویش گرفته است وچون رودخانهٔ اردن این‌سرزمینهای اضافی را نیز (که مطابق نقشهٔ تقسیم تعلق بعرب دارد) آبیاری‌می کند، اسرائیل بهیچوجه من الوجوه حق ندارد از آب رودخانه مذکور برای آبیاری سرزمین هائی که باو تعلق ندارد استفاده نماید.

بهر تقدیر، عرب قطع نامه تقسیم‌فلسطین را که با فشار شدید صهیونیزم از جلسهٔ عمومی سازمان ملل متحد گذرانده شده، قبول ندارند.

٦ـ تغییرمسیر رودخانهٔ اردن ازطرف اسرائیل‌نقض صریح‌قرار داد متارکهٔ جنگ است که حاکیست: حالت‌موجوددر منطقهٔ خلع سلاح شده باید حفظ گردد، و اضافه مینماید که هیچیك از طرفین‌حق ندارد در این منطقه اقدامی از نظر نظامی یا اقتصادی بعمل آورد که بنفع خود وضرر آنطرف دیگری باشد و استفادهٔ یکطرفهٔ اسرائیل از تغییر مسیر رودخانهٔ مزبور روشن تر از آنست که نیازبتوضیح داشته باشد.

۷ـ تغییر مسیر رودخانهٔ اردن. موجودیت غیرقانونی اسرائیل، را از راه فراهم کردن وسائل اسکان چندین میلیون مهاجر دیگر در

صحرای نقب وسرزمین اشغال‌شدهٔ عرب ، بیش ازپیش تحکیم مینماید و این خود ازطرفی برای‌عرب وصلح‌جهانی تهدید وخطر بیشتری‌راایجاب میکندوازطرفی گام‌دیگری‌درراه‌توسعه‌طلبی‌صهیونیزم‌بشمارمیرود

۸ـ استفادهٔ‌ازدریاچهٔ‌طبریه‌بعنوان‌مخزن‌آب‌درواقع کنترل آبهای متعلق باعرابراتحت‌سلطهٔ اسرائیل قرار میدهد وازطرفی بعلت شوری بیشتر آب این‌دریاچه ؛ بکشـاورزی کشورهای‌عربی لطمه میزند .

۹ـ شورای‌امنیت پیش‌ازاین،طی‌قطعنامه وموافقتنامه‌های‌صادرهٔ درسالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۹ ازنظر کشورهای عربی پشتیبانی کرده واز اسرائیل خواسته است که از طرحهای تجاوزکارانهٔ خود درموردتغییر مسیررود خانه‌هاخودداری‌نماید .

۱۰ـ عرب‌ها هنوز بـا اسرائیل در حالت‌جنگ بسر میبرند ، جنگ‌آنها بصلح منتهی‌نشده بلکه‌بمتارکه انجامیده : زیراهنوز خاك فلسطین‌درتصرف‌صهیونیها استواهالی قـانونی‌آن که عربهای‌فلسطینی باشند،هنوزبعنوان‌یك‌واحدویك‌ملت **ولی‌محروم‌ودورازوطن‌خویش** در تبعیدبسر میبرند .

بنابراین،عرب ازحق مشروع خویش در مورد دفاع‌ازسرزمین خود بهره مند بوده وهمین حق آنهارا وامیدارد که با کلیهٔ طرحهای شوم‌صهیونیها که‌بمنافع‌حیاتی‌عرب‌لطمه‌میزنند، مخالفت کنند.

۱۱ـ اجازهٔ ورود عدهٔ بیشتری مهاجر یهودی بخاك فلسطین ، اجرای مفادقطعنامه‌های سازمان‌ملل‌متحدرا که‌مقرر میداردآوارگان عرب‌بموطن خویش باز گردانده شوند ، دچـار اشکالات فراوان می نماید .

مساعی عرب در راه جلوگیری از تجاوز:

کشورهای عربی درمورد جلب توجه جهانیان بخطری که نقشه های جدید صهیونیها دارد و تهدیدی که از این ناحیه متوجه صلح و آرامش بین المللی میباشد، هیچگاه فرصت را از دست نداده اند .

درسال ۱۹۵۱ کشورسوریه شکایتی علیه پروژهٔ اسرائیل ، مبنی بر اینکه اسرائیل قصد دارد مسیر وبستر رود خانهٔ اردن را در جنوب دریاچهٔ حله راست و گود نماید ؛ تسلیم شورای امنیت نمود وپس از مذاکرات در شورای امنیت ، قرار براین شد که اسرائیل هیچگونه پروژه‌ای را نبایستی درمنطقهٔ خلع سلاح شده اجرا نماید .

باردیگر درسال ۱۹۵۳ کشور سوریه شکایتی علیه قصد اسرائیل تسلیم شورای امنیت نمود، مبنی براینکه اسرائیل قصد دارد مسیر رودخانه اردن را تغییر و کانالی درمنطقهٔ خلع سلاح شده جاری سازد .

سرلشکر بنیك رئیس سازمان نظارت برمتارکهٔ جنگ وابسته بسازمان ملل متحد که در فلسطین انجام وظیفه مینمود ، قراری صادر کرد ، مبنی براینکه: اقدام اسرائیل به تغییر مسیر رودخانه که در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۵۳ شروع شده درمورد منطقه خلع سلاح شده مخالف مفاد قرارداد متارکهٔ جنگ میباشد .

شورای امنیت طی قطعنامهٔ مورخ ۲۷ اکتوبر ۱۹۵۳ قرار مزبور را تایید نمود .

درسال ۱۹۵۹ پس از آنکه نقشهٔ اسرائیل درمورد ادامهٔ عملیات خود در خصوص تغییر مسیر رود خانهٔ اردن آشکار ومسلم گردید **اتحادیه عرب** برای مقابله بـا و ضعیکه پیش آمده دست باقدامات

مختاتمی زد .

بنابراین : بطوریکه توضیح داده‌شد، کشورهای عربی درآگاه ساختن جهانیان‌ازنقشه‌های تجاوز کارانهٔ اسرائیل وبامید اینکه‌افکار عمومی جهان‌وسازمانهای‌بین‌المللی مانع اجرای این‌نقشه‌ها گردند ، آنچه‌را درقدرت داشتند‌بعمل آوردند ، لیکن تمامی اخطارهای‌صادرهٔ ازطرف آنهاوهمساعی‌مبذوله‌بی اثرمانده‌است.

اسرائیل بازهم اصراردراجرای نقشه‌های‌خودداردوهمانطوریکه ملاحظه شد بیشتر کارهای‌مقدماتی مربوطه‌رابرای‌تغییرمسیررودخانهٔ مزبور تکمیل کرده است .

ما بخوبی بخطرات مترتب بر این عمل اسرائیل ، نه تنها برای کشورهای عربی‌وملت عرب وفلسطین بلکه برای‌صلح وآرامش جهان آگاه میباشیم .

نظر باینکه تاتاریخ قطعی اقدام‌عملی اسرائیل‌به تغییرمسیررود خانه‌های عربی وقت چندانی باقی نمانده واز طرفی سازمانهای بین‌المللی اقدامی‌شایسته، برای جلوگیری از اجرای نقشه‌های تجاوز کارانهٔ اسرائیل نسبت به‌حقوق‌اعراب بعمل نیاورده‌اند خود کشورهای عربی ناچار شده‌اند برای حفظ حقوق خویش و دفاع از منافعی که دارند مستقیماً دست بکارشوند .

درفاصلهٔ میان ۱۳ و ۱۷ ژانویه ۱۹٦٤ (۲۳ و۲۷ دیماه ۱۳٤۲) کنفرانس عالی سران کشورهای عربی‌در قاهره تشکیل گردید .

دراین کنفرانس تهدیدات‌مترتبه‌واقدامات تجاوز کارانهٔ‌دیگری که‌اسرائیل‌درمدنظر داردمورد‌مطالعه وتصمیمات مقتضی اتخاذ گردید .

تصمیمات مزبور که بصورت ضمیمهٔ این اطلاعیه مطبوعاتی تقدیم خوانندگان میشود، قطعی میباشد؛ کشورهای عربی مصممند: درصورتیکه اسرائیل ازعزم خویش دربارهٔ نقشههای خود درمورد تغییرمسیررودخانه هـا منصرف نگردد ، تصمیما ت مزبور را بهر قیمتی شده اجرا نمایند .

کشور های عربی مزبور بطور قـاطع بیان داشته اند که ضمن اجرای تصمیمات عادلانه ودفاعی خویش درمبانی روابط سیاسی واقتصادی خود ، با کشورهای دیگر ، بر اساس روش آن کشورها درمقابل مبارزات عرب علیه نقشه های توسعه طلبانهٔ صهیونیها درجهان عرب، مورد تجدید نظر کنند .

نتیجه :

در این خلاصه سعی نشده است که تجاوزات و تعدیـات جدید اسرائیل نسبت بحقوق عرب تنها ازدیدهٔ نظرفاجعهٔ فلسطین موردبحث قرار گیرد ، زیرابظن قوی همه کس از جریاناتی که از آغاز دوران قیمومت تابحال درفلسطین روی داده وچگونه کشوراسرائیل بوجودآمده آگاه میباشند .

متجاوز ازیك ملیون عرب فلسطینی آواره وازمیهن خود رانده شد هنوز که هنوز است گواه روشن این فاجعه میباشند، این آوارگان بانهایت عسرت وفقردر زیر چادرها بسر میبرند واز روزیکه صهیونیها سرزمین آنهارامورد تجاوز قرار دادند و آنانرا آواره نمودند پیوسته چشم براه روزی هستند که بهمیهن خویش باز گردند .

آوارگان عرب ، اکنون ازبالای مرزها ناظر اشغال کشورشان

ازطرف بیگانگان میباشند ومشاهده مینمایند که مزارع آنها از طرف غاصبان کشتوزرع میشودواینك مسیرآنقسمتاز آبی که برای‌مشروب نمودن مقدار نا چیزی که از سرزمینهای آنها برای ایشان‌باقیمانده، دردست تغییر دادن است .

کشورهای عربی عزم‌جزم وتصمیم راسخ دارند(وجای‌هیچگونه شك وتردید نیست) که تصمیمات متخذهٔ در کنفرانس عالی سران دول عربی‌را بهرقیمتی تمام‌شود ؛ اجرانمایند .

و برای اینکه از نقشه‌های تغییرمسیر آب رودخانه های عربی توسط اسرائیل جلوگیری کنند قطعاً اینکاررا خواهند کرد .

مابخوبی نقشه‌های اسرائیل را ملاحظه کرده ایم که میخواهد مقادیرعظیمی ازآب رودخانهٔ اردن‌را بصحرای نقب منحرف سازد و این خود تجاوز صریحی‌بحقوق عرب‌است ؛زیرا لطمات شدیدوجبران نا پذیربه قطعات زمینی از سرزمینهای عربی میزند وسکنه عرب‌آنهارا که‌منحصرا از راه کشاورزی ارتزاق میکنند پراکنده مینماید .

نقشه هـای اسرائیل به پروژه‌های آبیاری کشورهای عربی و برنامه های آبادانی آنها صدمه شدیدی میزند و آبهای کم عمق تـه رودخانه‌ها رااز‌حیّزاستفاده میاندازد زیرادر نتیجه تغییرمسیرآب‌رود خانه وذخیره کردن آن دردریاچه‌های شور ، برمیزان شوری آن ته آبها اضافه‌خواهدشد وهمچنین بصنایع معدنی عرب دراین منطقه آسیب میرساند

ازاینها همه گذشته ،تغییرمسیررودخانه‌های عربی بصحرای نقب قسمتی ازسیاست توسعه طلبی اسرائیل‌است که مستقیماًامنیت کشورهای

عربی‌را تهدید میکند وضمناً کمك ومشوقی درراه اجرای طرحهای تجاوزکارانه اسرائیل علیه‌کلیه این‌منطقه می گردد .

ورود عده زیادتر دیگری‌ازمهاجرین یهود بقسمت اسرائیل نشین فلسطین،مانع اجرای مفادقطعنامه‌هـای‌سازمان ملل‌متحد میگردد که میگوید : باید آوارگان عرب‌فلسطین، بکشور خودباز گردانده شوند

این آوارگان هنوزهم چشم براه اجرای عدالت جهانی هستند که‌مدتهای‌مدیدی‌است، یعنی‌شانزده‌سال‌است پیوسته‌درانتظار آن‌بوده‌اند اینان بامسالمت وشکیبائی کامل ولی بصورت مداوم ومستمر این‌حالت انتظاررا تابحال تحمل کرده‌اند :

بیانهٔ شورای سلاطین‌ورؤساء‌کشور های عضو اتحادیهٔ عرب که طی نخستین کنفرانس خودکه‌در تاریخ ۱۳ تا۱۷ ژانویه ۱۹۶۴(۲۳ تا۲۷ دیماه ۱۳۴۲)تشکیل گردید صادرنمودند:

شورای سلاطین ورؤساء کشورهای‌عضو**اتحادیهٔ‌عرب**درنخستین جلسه خود که درمقر اتحادیهٔ عرب در**قاهره**درفاصلهٔ میان ۲۳تا ۲۷ دیماه ۱۳۴۲ بنابر پیشنهاد حضرت **جمال عبدالناصر** رئیس جمهوری متحدهٔ‌عربی تشکیل گردید . مقرر داشت که :

پس ازبررسی تهدیدات وعملیات خصمانهٔ وتجاوز کارانه‌مستمر اسرائیل،ازتاریخ اخراج مردم عرب فلسطین ومستقر ساختن‌خـویش بعنوان یك نیروی استعماری اشغال گر در سرزمین آنها و پیروی از سیاست تبعیض نژادی علیه ملت‌عرب و دنبال کردن روش خصمانه ؛

بعنوان پایهٔ سیاست خویش؛ بصورت امرواقع وانجام شده ونقض صریح قطعنامه های سازمان ملل‌متحد، ناظر براعادهٔ حق‌طبیعی این عده از مردم بکشور خویش وعدم‌توجه بهتوبیخهای‌صادرهٔ ازطرف آژانسهای مختلف وابسته باین سازمان بین‌المللی وپس از مطالعه خطر تجـاوز جدیدی که ازطرف اسرائیل‌علیه آب‌رود خانه‌های کشور های عربی ازطریق تغییر مسیر رود خانهٔ اردن درشرف وقوع است واز این راه آسیبهای عظیمی به‌حقوق عرب که از این آبها استفاده مینمایند وارد خواهد شد وهدف صهیونیها ازاین‌عمل؛ اجرای برنامه هـای تـوسعه طلبی خود ازطریق تسهیل مهاجرت تعداد بیشتری‌از نیروهای متجاوز وبرقراری مراکز تجاوز بیشتری برعلیه امنیت وتوسعهٔ‌کشور های عربی‌وصلح جهانی ودر اجرای حق مشروع دفاع‌ازخویش ،با ایمان قاطع بحقانیت خواسته های‌مقدس‌اعراب فلسطین بداشتن‌خودمختاری وآزاد کردن ملت خود ازیوغ ورقیت صهیونیهای استعمار گروایمان باینکه وحدت عرب تنها وسیله ایست که جلو نقشه‌های استعمار گران را میگیرد ومنافع حقهٔ عرب را تأمین مینماید وسطح زندگی مردم را بالا میبرد وبرنامه های‌آبادانی وعمران رابمرحلهٔ عمل‌درمی آورد .

تصمیمات عملی مقتضی ولازم را برای ازبین بردن خطر قریب الوقوع منتظرهٔ ازناحیه اسرائیل ، اتخاذ نمودند ؛ چه در زمینه های دفاعی‌وهمکاری فنی وچه درزمینهٔ تجهیز مردم فلسطین تابتواننـد رل خویش‌را در موردآزاد کردن کشور خود وتأمین خودمختاری‌خویش ایفا نمایند .

نتیجهٔ‌مهم‌دیگر این‌شوری‌این‌بود که‌سلاطین و رؤسای دول

عضو اتحادیه عرب، باتفاق آراء توافق نمودند که با ختلافات موجود خاتمه دهند. محیط عربی را از غباری که آنرا آلوده نموده پاك کنند، کلیهٔ تبلیغات علیه یکدیگر را متوقف نمایند. روابط میان کشورهای عربی برادر را تقویت نمایند؛ همکاری مشترك برقرار و نقشه‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه ایرا که کلیهٔ اعراب را متساویا ومتقابلا تهدید میکنند ازخود دفع نمایند

شورا همچنین عقیده داشتکه منافع عالیهٔ ملت عرب، تشکیل مکرر این گونه جلسات را از طرف سران این ممالك ایجاب میکند و مقرر گردید که سلاطین و رؤسای دول مزبور لا اقل سالی یکبار تشکیل جلسه دهند وقرارشد جلسهٔ دیگر درماه اوت ۱۹٦٤ دراسکندریه تشکیل گردد.

سلاطین ورؤسای دول عربی اعلام می دارند که ملت عرب از آن ملل ومردم جهان که از نعمت خود مختاری بر خوردارند توقع دارند که دردفع خطر تجاوز جدید اسرائیل ازبذل کمك جدی به آنها مضایقه ننمایند.

سلاطین ورؤسای دول عربی تأکید می‌نمایند که: در انتخاب و اتخاذ این روش عادلانه و دفاعی، روابط سیاسی و اقتصادی خویش را با سایر کشورها بر مبنای روش آن کشورها با مبارزات مشروع ملت عرب، علیه نقشه های صهیونیها درجهان عرب، تعدیل و تنسیق خواهند نمود.

سلاطین رؤسای دول عربی همچنین اظهار امیدواری مینمایند که آن گروه از کشورهای آسیائی وافریقائی که باصول موضوعه از

طرف کنفرانس باندونگ مؤمن بوده و خویشتن را در برابر منشور دادیس‌آباباه‌متعهد ساخته اند ، قربانیهای زیاد در راه‌مبارزهٔ بااستعمار داده اند یا تبعیضات نژادی جنگیده وپیوسته اسیر چنگال صهیونیزم و استعمار و مخاطرات و نقشه‌های شیطانی دیگر ، خاصه در افریقـا بوده؛ تماما بطور جدی‌وواقعی عرب را در مبارزات قانونی‌وحقهٔ آنها پشتیبانی ویاری نمایند.

همچنین‌از کلیه ملل آزاد که معتقد ببرقراری صلح باعدالـت هستند؛ توقع پشتیبانی دارند

سلاطین و رؤسای دول عربی ایمان ؛ خود را بحقانیت‌مبارزات ملت عرب و لزوم پشتیبانی از این مبارزات در برابر استعمـار ، در قسمت جنوبی یمن اشغالی و در **عمان** تأیید و همچنین ایمان خویش را به حقانیت مبارزات ملی در**انگولا وافریقای‌جنوبی** وهر قسمت دیگر از جهان‌اعلام داشتند، زیرا بنظر آنها آزادی و عدالت تفکیك وتقسیم پذیر نیستند.

سلاطین ورؤسای دول عربی تأیید نمودند که باعتقادآنهامسائل بین المللی باید بر طبق موازین منشور ملل متحد از راههای‌مسالمت آمیز حل و فصل گردد و همچنین ایمان خویش را به اصل‌همزیستی مسالمت آمیز ، میان ملل و پیروی از سیاست کشورهای غیر متعهـد اعلام داشتند

در نتیجهٔ داشتن اعتقادات مزبور ، کشورهای عربی ازعهد نـامهٔ منع آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای مسکو ، حسن استقبال کرده و درامضاء آن شتاب کردند وازمساعی دستجمعی درراه خلع‌سلاح کامل

عمومی. بنحوی که صلح جهانرا تأمین نماید پشتیبانی میکنند

در سایهٔ اعتقاد راسخ آنها باصول صلحی که بر مبنای مساوات وعدالت استوار باشد وتصمیم آنها بشرکت در امور اقتصادی جهان، از طریق محو عقب‌افتادگیهای اقتصادی واجتماعی ، کشورهای‌عربی رل مهمی را در کنفرانس توسعهٔ امور اقتصادی که دربهار سـال۱۹۶۳ تشکیل گردید ایفاء نمودند و مصمم هستند که باهمان روحیه وعزم راسخ در کنفرانس بین المللی عمرانو بازرگانی که قراراست امسال تشکیل گردد شرکت نمایند

سلاطین‌ورؤسای‌دول‌عربی ازمنشور وحدت افریقا که درمتن‌آن امیدهای تازه‌ای بصلح وآزادی ومساوات در افریقا وجهان مشاهده میکنند ، حسن استقبال‌مینمایند .

بعلاوه بار دیگر تصمیم خویش رانسبت بتشدید همکاری میان کشورهای آسیائی‌وافریقائی کهمخصوصاً باتشکیل **کنفرانس باندونگ** درسال۱۹۵۵ آغاز گردید، تأییدمینمایند .

در این‌مورد سلاطین‌ورؤسای‌دول‌عربی‌علاقمندی وپابندی‌خویش را بوظائفی که دربرابر ملت عرب ودرمقابل احترام بحیثیت وشرافت خـانوادهٔ بشریت و خدمت بصلح و پیشرفت جهان دارند ، اظهار و تأیید نمودند .

قیمت : ۷۰ ریال

شماره ثبت کتابخانه ملی

۱۸۳۸
۳۵/۱۲/۲۱

انتشارات جهان آرا

تهران ناصر خسرو کوچه
حاج نایب پاساژ خاتمی